

## سنجش نقش خاطره جمعی در فرآیند احیای خانه‌ها و بافت قدیمی ساغریسازان رشت\*

محمود عنانهاد<sup>۱</sup> - حمزه غلامعلی‌زاده<sup>۲\*</sup> - فرزانه اسدی ملک‌جهان<sup>۳</sup>

۱. دکتری معماری، دانشکده تحصیلات تکمیلی و مجتمع فنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران.
۲. استادیار معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول).
۳. استادیار معماری، دانشکده تحصیلات تکمیلی و مجتمع فنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۲/۲۳ تاریخ اصلاحات: ۹۶/۰۵/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۰۸/۱۳ تاریخ انتشار: ۹۸/۰۶/۳۰

### چکیده

بافت‌های قدیمی با ارزش شهر رشت از جمله محله قدیمی ساغریسازان به‌مثابه بستر وقوع رویدادها، یادآور خاطرات فردی و جمعی شهروندان بوده و نقش مهمی را در خوشایندی و معنادار نمودن محیط شهری ایفا می‌نماید. ایفاء نقش موردنظر مستلزم وجود کدهای قابل شناسایی در بافت‌های قدیمی است که گذر زمان موجب فرسایش آن‌ها شده است. این پژوهش به بررسی خاطره جمعی ساکنین در احیای خانه‌ها و بناهای قدیمی با ارزش ساغریسازان می‌پردازد. پس از پرداختن به نظریه‌های موجود در زمینه خاطره جمعی و مطالعه موردی با رویکرد تحلیلی به آزمون فرضیه پرداخته شده است. پرسش این تحقیق حول این محور قرار دارد که آیا می‌توان از خاطرات جمعی شهروندان در جهت احیای خانه‌ها و بافت‌های قدیمی با ارزش معماری، بهره گرفت؟ همچنین محوریت این تحقیق برگرفته از این فرض است که به‌نظر می‌رسد استمرار و حفظ هویت کلیت بافت ساغریسازان به خاطره جمعی و حس تعلق شهروندان در بافت مورد نظر وابسته است. هدف از این تحقیق یافتن پیشنهادات عملی برای افزایش کیفیت در بافت‌های قدیمی با ارزش بوده؛ و از آنجایی که تبیین کیفی عوامل و محورهای محیطی جهت حصول به پیشنهادات اجرایی است، لذا روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و کسب اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. برای بررسی خانه‌ها و بناهای بومی مورد مطالعه، پرسشنامه سنجش شاخص‌ها تهیه و تنظیم و در بین ۴۷ نفر از ساکنین این بافت قدیمی توزیع شد و اطلاعات جمع‌آوری شده با نرم‌افزار SPSS<sup>۱</sup> تحلیل شدند. نتایج نشان می‌دهند که به‌دلیل توجه مدیریت شهری به ساخت و سازهای جدید، بافت قدیمی رها شده و بسیاری از خاطرات در این محله رنگ باخته است، نقش خاطره جمعی در احیای بافت‌های قدیمی با ارزش می‌تواند با به‌کارگیری مشارکت شهروندان و دریافت نقشه‌های شناختی آن‌ها نسبت به مکان، حفاظت از آیین‌ها و برگزاری نمایش‌های آیینی خاطره‌انگیز در مکان‌های مذهبی و حفظ عناصر بومی قدیمی با ارزش و به‌کارگیری آن در ساخت و سازهای جدید و مورد مطالبه روز شهروندان صورت پذیرد.

واژگان کلیدی: خاطره جمعی، حس مکان، حس تعلق، بافت‌های قدیمی، ساغریسازان، رشت.

\* این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «بازشناسی الگوهای معماری بافت قدیمی با ارزش به‌منظور حفظ هویت در نوسازی واحدهای مسکونی؛ نمونه‌موردی: محله قدیمی ساغریسازان رشت» با راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در گروه معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت می‌باشد.

\*\* E-mail: H.Gholamalizadeh@yahoo.com

## ۱. مقدمه

بافت‌های قدیمی شهرها یادآور خاطراتی هستند که در ذهن شهروندان و باتوجه به وقایع به اتفاقات پیوسته جایگاه ماندگاری دارند. بی‌تردید خاطرات فردی و جمعی تأثیر مهمی در احراز هویت افراد به‌ویژه ایجاد حس وابستگی «تعلق» به مکانی که خاطرات در آن شکل گرفته‌اند دارند. از این‌رو، مکان‌هایی که فاقد معنا و تجربه فرافردی هستند موجب شده که امروزه، خاطرات مشترک شهروندان در بافت قدیمی مورد بی‌توجهی قرار گیرد و این‌گونه مکان‌های خاطره‌انگیز دچار دگرگونی شوند. از این‌رو، ایجاد محل‌ها و سکونتگاه‌های غنی‌تر مورد نیاز است، و باید از محل‌های موجود نیز به‌طور مؤثرتری استفاده شود و نقش مکان‌ها در زندگی امروز انسان‌ها بهبود یابد. بی‌توجهی به باززنده‌سازی خاطره جمعی<sup>۲</sup> در راستای حس تعلق شهروندان نسبت به بافت‌های معماری قدیمی عواقب غیربرگشتی از جمله بحران هویت در معماری و شهرسازی را در پی خواهد داشت و عدم توجه به این مسأله مهم می‌باشد. در شکل‌گیری و به یادآوردن خاطرات فردی و جمعی عوامل مختلفی دخالت دارند. در این رابطه، اساس خاطره مربوط به انجام رفتارهای فردی و جمعی است که احساسات فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رفتارهای مورد نظر در مکانی خاص به وقوع و پس از ثبت در حافظه درازمدت تبدیل به خاطره می‌شود. در این ارتباط، مکان و ویژگی‌های مربوط به آن نقش اساسی ایفاء می‌کنند. از آنجایی که به یادآوردن محتویات حافظه درازمدت از طریق تداعی صورت می‌گیرد، لذا تصور می‌شود که تجربه ویژگی‌هایی از مکان، که در آن وقوع رفتارهای مربوط به خاطرات فردی و جمعی شهروندان صورت پذیرفته است، می‌تواند موجبات تداعی خاطرات را فراهم آورد. در واقع ضرورت پژوهش پیش رو را می‌توان ناظر بر موارد به شرح ذیل دانست:

الف. اهمیت حفظ مکان‌های خاطره‌انگیز به منظور حفظ ارزش‌های هویتی و بهتر شناساندن جوهره فرهنگ و هویت معماری و شهرسازی.

ب. یافتن راه‌کارهای عملی برای افزایش کیفیت در بافت‌های قدیمی با ارزش به‌منظور افزایش حس تعلق نسبت به فضاهای مورد نظر.

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که، آیا می‌توان از خاطرات جمعی شهروندان در جهت احیای خانه‌ها و بافت‌های قدیمی با ارزش معماری، بهره‌مند شد؟ نقش خاطرات جمعی و حس تعلق شهروندان در استمرار و حفظ هویت بافت مورد نظر کدام است؟

## ۲. روش تحقیق

باتوجه به ماهیت و گستردگی موضوع در مراحل مختلف تحقیق، رویکرد حاکم بر روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و کسب اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای و نیز

فعالیت‌های میدانی صورت پذیرفته است. براساس این روش تحقیق، تجزیه و تحلیل صورت گرفته براساس جداول، نمودارها و نوشتارها صورت گرفته است. البته در بخش‌هایی از این تحقیق، باتوجه به نیازهای تحلیلی از مقایسه رویکردهای کمی و کیفی نیز استفاده شده و تحلیل داده‌های این پژوهش توسط نرم‌افزار SPSS صورت پذیرفته است. انتخاب مناسب آزمون آماری در SPSS دارای اهمیت بالایی می‌باشد؛ از این‌رو، در این پژوهش، حجم زیادی از داده‌های آماری به‌عنوان نمونه، گردآوری شده که از طریق آن‌ها می‌توان به سؤالات و فرضیه‌های تحقیق پاسخ داد. در این پژوهش نوع آزمون مورد استفاده در SPSS باتوجه به بازه زمانی ۱۸ ماهه از طریق استنباط آماری و محاسبه برآوردهایی از پارامترهای جامعه است (مثل میانگین یا واریانس جامعه از طریق آماره‌های نمونه مانند: میانگین یا واریانس نمونه). به عبارت دیگر شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش به طور مشخص عقل و استدلال بوده است. با این بیان که از طریق استدلال استقرایی، شبیه‌سازی و مدل‌سازی که جملگی به کمک تفکر، تعقل و منطق صورت می‌گیرد، داده گردآوری، ارزیابی و تحلیل شده‌اند. در این تحقیق که اساس آن توصیفی-تحلیلی است، ضمن ارائه اطلاعات موجود به تبیین دلایل چگونگی مسأله و ابعاد آن پرداخته شده است. زمانی که اطلاعاتی در مورد واریانس جامعه و یا احتمال موفقیت یا عدم موفقیت متغیر وجود نداشته باشد، نمی‌توان از فرمول‌های آماری برای برآورد حجم نمونه استفاده کرد؛ در نتیجه باید از جدول مورگان استفاده شود. این جدول حداکثر تعداد نمونه را می‌دهد (S: حجم نمونه و N: حجم جامعه می‌باشد). در انتخاب نمونه‌ها با توجه به در نظر گرفتن جدول مورگان و باتوجه به محدوده جمعیت بافت محله، حجم جامعه (N) شامل تعداد خانه‌های قدیمی می‌باشد که بالای ۵۰ سال قدمت دارند و در حال حاضر افرادی که در خانه‌های قدیمی محله ساغریسازان زندگی می‌کنند ۵۵ خانوار شناسایی شده (در گزینش جامعه آماری تلاش شد به تمامی اقشار استفاده‌کننده از خانه‌های بومی و قدیمی با ارزش واقع در محله ساغریسازان، شامل خانه‌هایی که ساکنین آن در حال حاضر سکونت دارند و خانه‌های تغییر کاربری و بازسازی شده، توجه شود) و حجم نمونه (S) با توجه به تعداد جامعه نمونه بر طبق جدول مورگان ۴۷ خانوار در بافت قدیمی و با ارزش ساغریسازان انتخاب شده است.

## ۳. پیشینه تحقیق

مطالعه سیستماتیک در مورد کیفیت محیط سکونتی تقریباً جدید است و به‌طور کلی منحصر به نیمه دوم قرن بیستم می‌شود. کرب و زاوادسکی<sup>۳</sup> مطالعات انجام شده در این زمینه را به دو دسته تقسیم نموده‌اند؛ الف. بعضی از مطالعات اولیه به‌طور جنبی به موضوع کیفیت محیط مرتبط‌اند. ویژگی

زندگی ابراز می‌کنند. می‌توان این تمایل را نیاز به هویت و تعلق به جایی یا به عبارت دیگر نیاز به استقرار در مکان ببینیم (Lawson, 2012, p. 19). فضاهایی که گروه کثیری از افراد را در خود جای می‌دهند، محل بروز رفتارهایی هستند که تا حد بسیار زیادی پیش‌بینی پذیرند؛ چرا که آنچه در این فضاها اهمیت دارد، رفتار تک‌تک افراد نیست، بلکه مهم آن است که افراد گردآمده، به‌عنوان یک کل، چه رفتاری دارند. در صورتی که نیازهای فیزیولوژیکی و ایمنی ما به قدر کافی ارضاء شده باشند، به نیازهای تعلق‌پذیری و محبت توجه می‌کنیم. ارضاء نیاز به تعلق در جوامعی که به‌طور فزاینده‌ای تغییر می‌کنند، دشوارتر است، شمار کمی از ما در محله‌ای زندگی می‌کنیم که در آن بزرگ شده‌ایم و دوستان دوران مدرسه خود را حفظ کرده‌ایم؛ از این رو امکان ریشه دواندن و پرورش دادن احساس تعلق‌پذیری برای ما وجود ندارد. خیلی از افراد سعی می‌کنند نیاز به تعلق را به صورت‌های دیگر ارضاء کنند، نظیر این که به کلیسا و یا مکان‌های تاریخی بروند (Schultz & Schultz, 2014, p. 397).

بی‌تردید احراز هویت در ارتباط با مکان که درکی از هستی و وجود آن با فرد دارد، اگر شناخته نشود میسر نیست. براساس «مدل کانتر» مکان بخشی از فضای ساخته شده یا فضای طبیعی است که نتیجه روابط متقابل سه عامل: الف. رفتار انسانی، ب. معانی و مفاهیم، ج. مشخصات کالبدی و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن (تداوم داشتن) و به جمع تعلق داشتن است. تعلق به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که به‌منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. این حس پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند (Sarmast & Motevaseli, 2010, p. 137).

در مراتب حس مکان «شامای<sup>۱</sup>» سه مرحله اصلی شامل تعلق به مکان، دلبستگی به مکان و تعهد به مکان را در نظر می‌گیرد که شامل هفت سطح می‌شود. این سطوح کاربرد حس مکان<sup>۲</sup> از سطح بی‌تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان را دربر می‌گیرد که شامل مراحل زیر است:

۱. بی‌تفاوتی نسبت به مکان: در سنجش حس مکان مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۲. آگاهی از قرارگیری در یک مکان: فرد می‌داند که در یک مکان متمایز با توجه به نمادهایی که در آن مکان تشخیص می‌دهد زندگی می‌کند ولی هیچ احساسی به مکان که او را وابسته کند وجود ندارد.
۳. تعلق به مکان: در این سطح علاوه بر این که فرد نام نمادهای مکان را می‌داند، با مکان احساس بودن و محترم بودن نسبت به اتفاقات رخ داده در مکان را دارد.
۴. دلبستگی به مکان: در این سطح فرد احساس عاطفی عمیق با مکان برقرار می‌کند و مکان برای او معنا داشته و محور فردیت است. همچنین تجربه‌های جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد.

و قدمت بیشتر این مطالعات به بررسی رابطه متقابل فرد با محیط بلافصل خود و اثرات مجاورت فیزیکی واحدهای مسکونی بر رفتار اجتماعی افراد ارتباط دارد. ب. بعضی دیگر از تحقیقات انجام شده در زمینه کیفیت محیط، بر روی خصوصیات افراد ساکن در یک محله به‌عنوان همسایه متمرکز شده است (Carp & Zawadski, 1976, p. 240). در بعضی از این مطالعات مشخص شده که خصوصیات افراد ساکن در محله خیلی مهم‌تر از شاخص‌های فیزیکی محله‌ها در تعیین میزان رضایت ساکنان است. به‌طور کلی تحقیقات در زمینه کیفیت محیط شهری در ابتدا از کیفیت مسکن و میزان رضایت از محیط بلافصل سکونتی شروع شده و به تدریج به حوزه‌های وسیع‌تر در سطح محله‌ها، اجتماعات محلی، شهر، منطقه و کشور کشیده شده است. بنابراین اهمیت بازسازی، خود را در باززنده‌سازی کالبدی‌های معماری به‌منظور بازگرداندن زندگی دوباره به جوامع و اقتصاد شهری و همچنین بهبود بخشیدن به اراضی قدیمی و فعالیت‌های ناکارآمد جاری در آن و ایجاد فرصت‌های نوین و محیط‌زیست بهتر برای نسل‌های بعدی مطرح نمود. خاطره را برای اولین بار موريس هالبواکس<sup>۳</sup>، جامعه‌شناس فرانسوی، در کتاب «چارچوب‌های اجتماعی خاطره»، مطرح کرد (Wilson, 2005, p. 9). توجه به حفاظت از تجارب معنوی و اجتماعی، آداب و رسوم و دانش بومی در بیانیه شیان<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) ترسیم شده است. توجه ویژه به مفهوم روح مکان در این دوره با اختصاص یافتن بیانیه کبک (۲۰۰۸) به این موضوع دیده می‌شود. این بیانیه اجزاء کالبدی، معنوی و انسان متعامل با بنا را به‌عنوان عواملی که به مکان، معنا، ارزش و احساس می‌بخشند؛ تعریف می‌کند (QUÉBEC DECLARATION, 2008). از طرفی برنامه‌های پژوهشی زیرنظر سازمان‌ها و نهادهای دولتی مسکن و شهرسازی در حیطه بافت قدیمی شهری با اهداف کاربردی مشخص، ارزشیابی و طبقه‌بندی اماکن تاریخی در دستورکار اداره مسکن و شهرسازی استان گیلان قرار گرفته است تا بانک اطلاعاتی متمرکز و ملی مربوط به این اماکن توسط صندوق احیاء سازمان ایجاد شود. از جمله این مطالعات می‌توان به طرح جامع شهر رشت در اردیبهشت سال ۱۳۸۵ توسط شرکت مهندسی طرح کاوش در جهت احیای بافت‌های قدیمی رشت اشاره نمود. نتایج حاصل از بررسی پیشینه موضوع نشان می‌دهند که مطالعات زیادی در زمینه تأثیر خاطره جمعی در فرآیند احیای خانه‌ها و بافت قدیمی با ارزش صورت نگرفته است و پژوهش در زمینه بافت قدیمی و خاطره جمعی، همواره به‌صورت جداگانه مطرح شده است.

#### ۴. ادبیات تحقیق

##### ۴-۱- مفهوم حس تعلق به مکان

بسیاری از مردمی که در زندگی خود زیاد سفر کرده‌اند، نیاز فرآیند عمیقی را برای بازگشت به ریشه‌های خود در ادامه

۵. یکی شدن با اهداف مکان: این سطح نمایان‌کننده پیوستگی فرد با نیازهای مکان است که در فرد شور، عشق، حمایت و از خودگذشتگی نسبت به مکان را ایجاد می‌کند.

۶. حضور در مکان: بالاترین سطح از حس مکان است و فرد تعهد زیادی نسبت به مکان دارد و فداکاری زیادی در موقعیت‌های مختلف جهت حفظ ارزش‌ها، آزادی‌ها و رفاه از خود نشان می‌دهد.

۷. فداکاری برای مکان: این سطح بالاترین سطح حس مکان است و فرد عمیق‌ترین تعهد را نسبت به مکان دارد و فداکاری‌های زیادی در جهت گرایش‌ها، ارزش‌ها، آزادی‌ها و رفاه در موقعیت‌های مختلف از خود نشان می‌دهد. در این سطح آمادگی برای رها کردن علایق فردی و جمعی به خاطر علایق بزرگ‌تر نسبت به مکان وجود دارد (Shamai, 1991, pp. 347-358).

«شولتز»<sup>۱</sup> معماری گذشته زندگی بشری را که در آن معانی با مکان پیوند خورده و با وجود سختی زندگی و بی‌عدالتی اجتماعی، انسان‌ها در مجموع به مکان احساس تعلق می‌کردند را تأکید می‌کند و هدف از معماری را ایجاد فضای مرکز یا فضای هستی که در آن فرد خود را با محیط تطبیق داده و با آن ذات‌پنداری می‌کند اعلام می‌دارد. وی در تعریف ماهیت مکان آن را کلیتی شامل اشیاء و عناصر کالبدی ساخته شده و آنچه که در واقع ماهیت یا روح مکان محسوب می‌شود، نامگذاری می‌کند.

#### ۴-۲- خاطره و خاطره جمعی

در لغت نامه دهخدا واژه «خاطره» به صورت زیر تعریف شده است: «اموری که بر شخص گذشته باشد و آثاری از آن در ذهن شخص مانده باشد». تعریف «خاطره» در لغت‌نامه لانگمن به عنوان «توانایی فرد در به خاطر آوردن اشیاء، مکان، تجربه‌ها و غیره است» آمده است. در لغت‌نامه وبستر به معنای «توانایی و یا روند یادآوری یا بازتولید آنچه آموخته شده و به خاطر سپرده شده است» آورده شده است. براساس تعاریف لغوی ارائه شده می‌توان گفت: «خاطره به یادآوری وقایع و رویدادهای گذشته به‌وسیله فرد از طریق به‌یاد آوردن افراد، اشیاء مکان‌ها و تجربیات است». ما اغلب به صورت عمده خاطره را مفهومی شخصی و فردی در نظر می‌گیریم؛ اما نباید فراموش کنیم که خاطره‌ها تأثیر زیادی هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی ما دارند. این خاطره‌ها هستند که در ما نوعی احساس پیوستگی به گذشته، حال و آینده را ایجاد می‌کنند (Grütter, 2014, p. 178).

اکثر نظریه‌پردازان بر این موضوع اتفاق نظر دارند که ایجاد پیوندهای عاطفی با مکان از پیش‌نیازهای تعادل روانی است که لازمه غلبه بر بحران‌های هویتی است و می‌تواند زمینه درگیری مردم در فعالیت‌های محلی را فراهم نماید (Lewicka, 2008, p. 211). خاطره جمعی مجموعه‌ای از تداعی‌هایی هستند که به‌صورت روایت در اجتماع وجود

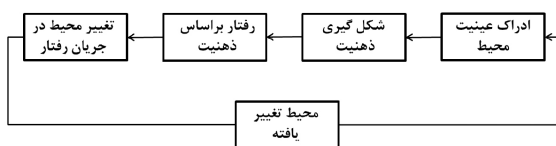
دارند و حس پیوستگی بین اعضای یک اجتماع را ایجاد می‌کنند. علاوه‌براین یکی دیگر از کارکردهای خاطره جمعی، هویت‌بخشی به فرد است (Rico, 1995, p. 49). بنابراین، خاطرات جمعی افراد در زیستگاه‌های انسانی، تابع اتفاقات تجربی در حیطه رفتارهای اجتماعی و فضایی است که از گذشته در ذهن خود دارند. این خاطرات می‌تواند به صورت فرافردی به انسجام فضایی، اجتماعی و حس تعلق به مکان و ارتقاء هویت شخصی، کمک شایانی کند.

#### ۴-۳- رابطه خاطره جمعی و حس تعلق به مکان

بناهای تاریخی در کالبد خود به‌طور مداوم خاطراتی را در ذهن افراد جامعه زنده می‌کند؛ حال ممکن است این زنده شدن خاطره که فرد در رابطه با محیط اطراف خود مشاهده می‌کند ارادی یا غیرارادی باشد، این زنده شدن خاطرات گاه ممکن است به‌صورت فردی و گاه از ماهیت درونی گروهی و فرافردی شکل گیرد. بنابراین در وهله اول رابطه فرد با محیط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

رابطه فرد با محیط، از یک‌سو به محیط و از سوی دیگر به ویژگی‌های انسان بستگی دارد. افراد از جنبه‌های مختلف با محیط پیرامون خود مرتبط و متصل هستند، اتصال و وابستگی به محیط نه با یک عامل ملموس، بلکه با عوامل انتزاعی برقرار می‌شود. این عوامل انتزاعی شامل اطلاعات محیط و همچنین تمایل برای رفتاری خاص و ایجاد تغییر در محیط می‌باشد. در این میان گاه ما خود را با ویژگی‌های محیط هماهنگ می‌کنیم و گاه محیط را براساس ذهنیاتی که پیش‌ازین از محیط ساخته‌ایم تغییر می‌دهیم. گاه محیط به‌عنوان جهت‌دهنده به رفتار عمل می‌کند و گاه رفتار ما محیط را تغییر می‌دهد. این تأثیر و تأثیرات به صورت مستمر و مداوم ادامه دارد (Grütter, 2014, p. 45).

شکل ۱: فرآیند ارتباط انسان و محیط



(Grütter, 2014, p. 45)

باتوجه به مطالعات هالبواکس، آنچه در قالب خاطره جمعی به‌صورت مشترک و فشرده در ذهن افراد وجود دارد، در فرآیند خاطرات فردی هریک از افراد بازخوانی و به‌عنوان محرک، یادآور بسیاری از خاطرات شخصی ما می‌شود. خاطرات تاریخی، گستره این خاطرات را که از تجربه شخصی ناشی می‌شود، تعمیم می‌دهد. این موارد چیزهایی هستند که فرد در ذهن خود دارد (Halbwachs, 1980, p. 51). از دیدگاه او، خاطرات نیاز به یک چارچوب دارد که خود این امر نیازی برای یادآوری خاطرات است. او اجتماع

جوامع بشری است. به عبارتی حس مشترکی از زندگی در محیطی است که دارای مرزهای مشخص و هویت حیات زیستی ناحیه‌ای<sup>۱۴</sup> می‌باشد. سطح مختلف آشنایی مکان عبارت‌اند از:  
الف. آشنایی بسیار عمیق با مکان: این سطح زمانی به وجود می‌آید که شخص خود در مکان حضور دارد و به صورت ناخودآگاه آن را تجربه می‌کند.  
ب. آشنایی معمولی با مکان: این سطح تجربه ناخودآگاه مکان است و بیشتر از آن که فرد باشد، جمعی و فرهنگی است و شامل مشارکت عمیق و بدون اندیشه در نماهای یک مکان است.

ج. آشنایی سطحی با مکان: تجربه شخص حساس ولی ناآشنا با مکان است که به دنبال فهم این موضوع است که مکان برای افرادی که در آن سکونت دارند چه شکل و معنایی دارد (Falahat, 2006, p. 59). از این رو می‌توان گفت حس مکان، مردم را به گونه‌ای عمیق و ماندگار تحت تأثیر قرار می‌دهد و خاطره مکان، هویت و قدرت انسان را تقویت می‌نماید. درواقع احساس تعلق و دلبستگی به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد. از نظر سیتالو<sup>۱۵</sup> تعلق مکانی از جنبه روانشناسی و هویتی قابل تفسیر است. در روانشناسی، تعلق مکانی به رابطه شناختی فرد با یک محیط یا یک فضای خاص اطلاق می‌شود و از لحاظ هویتی، تعلق به مکانی رابطه تعلق و هویتی فرد به محیط اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند. درواقع وابستگی به مکان<sup>۱۶</sup> رابطه نمادین ایجاد شده توسط افراد به مکان است که معانی احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی به یک فضای خاص می‌دهد. درواقع افراد مکان‌ها را به خصوصیات فرهنگی ربط می‌دهند، به گونه‌ای که یک فضا می‌تواند محرک تجربه انسان و ارزش‌های بناهای قدیمی در مفاهیم و معانی فرهنگی شود. معنی به شکل فضا و کیفیت آن وابسته است؛ ولی درعین حال به فرهنگ، موقعیت، تجربه و مقصد کنونی مشاهده‌گر نیز بستگی دارد. با این دیدگاه، یک مکان خاص برای مشاهده‌گران مختلف، متفاوت خواهد بود (Lynch, 2014, p. 167). به‌طور کلی، یک مکان حتی می‌تواند ورای عملکرد مبتنی بر یادبود یا رویدادی خاص دارای مفهومی نمادین باشد. این امر هنگامی تحقق می‌یابد که مکان گویای چیزی بیش از محتوای اصلی خود باشد. ما در ذهن خود هر چیزی را با محیطش در ارتباط می‌بینیم و اغلب نه تنها آن را با محیط، بلکه دقیقاً با یک مکان خاص می‌سنجیم و این امر به خاطرات جمعی و ذهنی ما کمک زیادی خواهد کرد. این ارتباط ذهنی هنگامی برای ما مشخص می‌شود که تغییر زیادی در ماهیت و ساختار یک بنای معماری و بافت قدیمی نسبت به گذشته ببینیم.

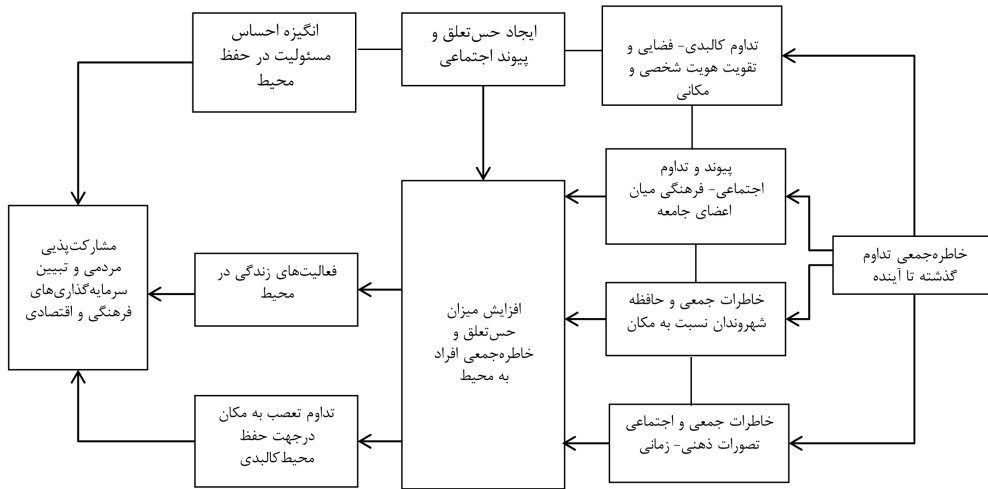
را همین چارچوب خاطره نام‌گذاری می‌کند و از قول آگوست کنت توضیح جامع‌تری در این خصوص می‌دهد و اظهار می‌دارد: «محیط پیرامون ما شامل نشانه‌های ما و دیگران است، بنابراین اشیاء بخشی از جامعه هستند» (Halbwachs, 1950, p. 2). آلدوروسی شهر را به مثابه تاریخ یاد کرده و دو دیدگاه تاریخی به شهر دارد؛ اول این که «شهر به مثابه یک عنصر مصنوع مادی است که ردپای زمان بر روی آن به چشم می‌خورد» و دوم این که «تاریخ را به دید مطالعه ساختاری شکل‌یافته از مصنوعات شهری قلمداد می‌کند» (Rossi, 1982, p. 128). ما علاوه بر حافظه فردی دارای یک حافظه جمعی نیز می‌باشیم که دربردارنده خاطرات، عقاید، ارزش‌ها و باورهای مشترک با دیگران است. اگرچه خاطره مفهومی شخصی و فردی است اما نباید فراموش کنیم که خاطره‌ها تأثیر زیادی هم در زندگی فردی و هم در زندگی اجتماعی ما دارند. خاطره‌ها می‌توانند موجب احساس پیوستگی در گذشته، حال و آینده شوند.

#### ۴-۴- رابطه بافت‌های قدیمی با افزایش حس تعلق

بافت قدیمی در اطراف هسته اولیه شهرها (یعنی بافت تاریخی) و پیوسته به آن شروع به شکل‌گیری می‌کند. این بخش از شهر که در حفاصل گذار از شهرنشینی آرام به شهرنشینی سریع شکل گرفته است، نه‌چندان تاریخی و نه چندان جدید است. حتی سازمان‌یابی آن چیزی در حفاصل فضایی بافت تاریخی و جدید است. آثار معماری گذشته از خود هنرمندان و معماران ماندگارترند و تداوم سنت معماری را باعث شده‌اند؛ چراکه معمار، خود را در شکل‌گیری معماری واسط می‌داند و از تعلق خویش به معماری گذشته سخن به‌میان می‌آورد (Nadimi, 2014, p. 253).

مکان زمینه‌ای از فعالیت‌ها می‌باشد و عموماً دارای یک هویت شناختی<sup>۱۷</sup> است. همچنین مکان دربرگیرنده دنیاهای اجتماعی متنوع و دارای تاریخی است که گذشته، حال و آینده را به هم می‌پیوندد. هرکدام از این جنبه‌ها واجد اهمیت است. رلف<sup>۱۸</sup> در کتاب مکان و بی‌مکان<sup>۱۹</sup> می‌نویسد: «مکان‌ها ترکیبی از نظم طبیعی و نظم انسانی هستند و از مراکز با اهمیت تجارب بلافصل ما از جهان محسوب می‌شوند». از نظر وی، خاصیت اصلی مکان در توان آن برای نظم‌دهی و تمرکز بر مقاصد، تجربه و رفتار بشری به طور فضایی<sup>۲۰</sup> نهفته است (Partoy, 2013, p. 75). مفهوم حس مکان، ماهیت مکان را مشخص می‌کند و در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای کارکردی مشخص و متمایز هستند. تجارب مکانی لزوماً زمانمند و خاطره‌مدار بوده و حسی از زندگی در محیطی که دارای مرزهای مشخص و هویت می‌باشند. حس مکان احساس مشترک

شکل ۲: تحلیل چارچوب نظری و کاربرد خاطره جمعی در احیای بافت‌های با ارزش شهری



## ۵. شناخت محدوده و مطالعات میدانی

### ۵-۱- محدوده مورد مطالعه

شهرستان رشت در مرکز استان واقع شده که از شمال به دریای خزر و شهرستان انزلی، از جنوب به شهرستان رودبار، از شرق به شهرستان‌های سیاهکل، لاهیجان، آستانه اشرفیه و از غرب به شهرستان‌های صومعه‌سرا، فومن و شفت متصل می‌باشد که دارای ۱۴۲۷ کیلومترمربع وسعت است. استان گیلان دارای ۶ بخش، ۷ شهر، ۱۸ دهستان و

۲۹۳ روستا و جمعیت ۹۱۸۴۴۵ نفر است که ۶۹۸۰۱۴ نفر شهری و ۲۲۰۴۳۱ نفر روستایی می‌باشد (Governorate of Rasht, (2015), Gilan. <https://rasht.gilan.ir>). لازم به ذکر است در استان گیلان افزون بر ۲۵۰۰ هکتار بافت قدیمی وجود دارد که در این میان سهم شهر رشت ۹۶۵ هکتار است به طوری که حدود ۷ درصد مساحت کل شهر شامل می‌شود (http://gilan.mrud.ir, Ministry of Roads & Urban Development of the Islamic Republic of Iran, Gilan, 2015).

شکل ۳: موقعیت جغرافیایی محله قدیمی ساغریسازان در شهر رشت نسبت به مقیاس کشوری، استانی و شهری در سال ۱۳۹۸



(<https://www.google.com/maps/place/Rasht>)

## ۵-۲- محله قدیمی ساغریسازان در شهر رشت

معدود محله‌های رشت است که بافت سنتی خود را تا حد زیادی حفظ کرده است. از جمله مشخصه‌های دیگر محله، وجود چندین مرکز مذهبی و خانه‌های بومی با قدمت بالا در آن است. قدمت و سنت از ویژگی‌های مهم و قابل توجه محله ساغریسازان است که در آن، فقیر و غنی در کنار هم بدون جدایی‌گزینی زندگی می‌کرده‌اند و امروزه بافتی فرسوده و در عین حال تاریخی و با ارزش محسوب می‌شود که بخشی از آن دستخوش تغییر شده و بسیاری از ثروتمندان محله از آن کوچ کرده‌اند. عناصر مهم محله شامل: خانه‌های بومی با قدمت و ارزش بالا، مسجد گلدسته ساغریسازان، بقعه آقاسیدعباس و اسماعیل و حمام حاجی می‌باشد.

ساغریسازان یکی از محله‌ها قدیمی شهر رشت محسوب می‌شود که در محله بزرگ خمیران زاهدان واقع شده است. این محله و بناهای مسکونی و غیرمسکونی آن بیش از یک قرن و نیم قدمت دارد و بخشی از آن جزء بافت قدیمی شهری به حساب می‌آید. این محله به تدریج و بدون برنامه قبلی، به تبعیت از بازار قدیمی رشت در زمان صفویه و در اطراف بازار، به مرور توسط ساکنان آن ساخته شده و مورد استفاده قرار گرفته است. این محله از یک راسته بازار تشکیل می‌شود. ساغریسازان جزء

شکل ۴: تحلیل عکس‌های پانوراما از جداره‌های محله قدیمی ساغریسازان و پررنگ شدن ساخت و ساز جدید و بی‌رویه

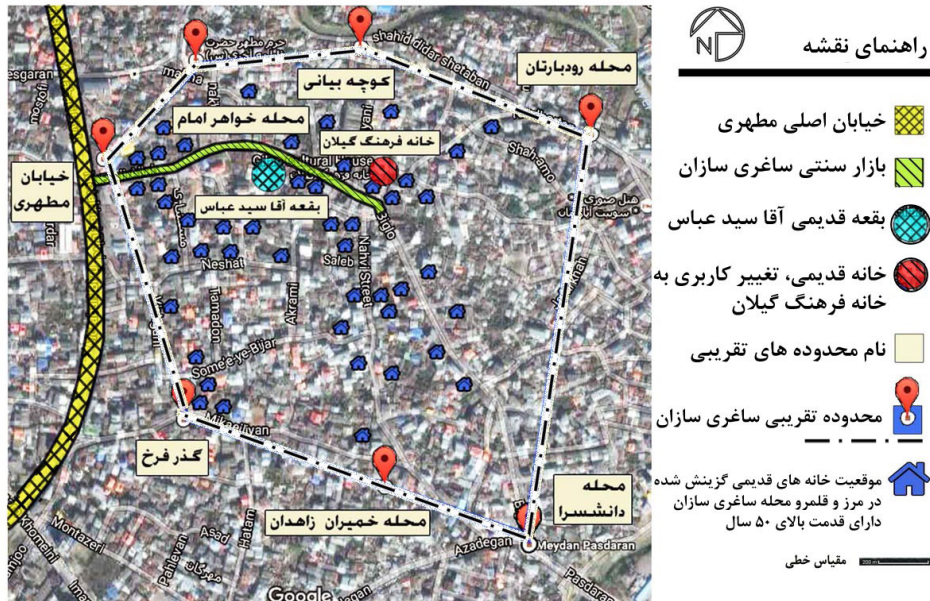


## ۵-۲-۱- موقعیت خانه‌های قدیمی گزینش شده در محله ساغریسازان

هر نوع محصوریتی به وسیله مرز تعریف می‌شود. هایدگر در این باره می‌گوید: «مکان و قلمروی محله، بدون مرزها و ارتباطش با محیط مجاور نمی‌تواند موجودیت داشته باشد (Sun-Young, 2003, p. 26). جدول ذیل از این پرسش برخوردار شده که: «از نظر شما، مرز و قلمروی محله ساغری سازان کجاست؟». در مجموع از

۴۷ نفر مصاحبه به‌عمل آمده و در بسیاری از پاسخ‌ها، مشاهده شده که چند مرز در جهات مختلف محله مورد اشاره قرار گرفته شده است. اکثر مصاحبه‌شوندگان به بیش از یک پاسخ اشاره داشته‌اند و به‌دلیل این‌که نوع مصاحبه به صورت پرسش باز بوده است؛ ساکنان قدیمی محله در معرفی مرز محله راحت‌تر بودند ولی ساکنین جدید به‌علت مدت کم سکونت و استفاده از محیط، پاسخ‌های پراکنده و گوناگون دادند به‌طوری که تفکیک مرز ساغریسازان برای آنان مشکل بوده است.

شکل ۵: محدوده محله ساغریسازان و موقعیت خانه‌های قدیمی گزینش شده در مرز و قلمرو محله ساغریسازان در سال ۱۳۹۸



(<https://www.google.com/maps/place/Rasht>)

محدوده محله و بافت قدیمی ساغریسازان می‌دانند؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت وجود راسته بازار سنتی در کنار خانه‌های قدیمی و بناهای مذهبی، تصویر ذهنی ماندگاری در خاطر شهروندان این بافت قدیمی رقم زده است. بیشتر پاسخ‌دهندگان، در پاسخ به سؤال دوم پرسشنامه «چند لحظه به محله قدیمی ساغریسازان فکر کنید، چه مکان‌هایی از آن را به خاطر می‌آورید؟»، به بازار سنتی ساغریسازان و محله‌ها و کوچه‌های قدیمی اشاره داشته‌اند (۲۵ درصد به بازار سنتی ساغریسازان و ۲۰ درصد به محله‌ها و کوچه‌های قدیمی). در این میان بناهای تاریخی همچون: بقعه آقا سید عباس و مسجد گلدسته و حرم خواهر امام و خانه‌های قدیمی، به علت ساخت و سازهای بی‌رویه و جدید بدون هویت در کنار این آثار ارزشمند درصد کمتری را به خود اختصاص دادند.

جدول ۱: میزان پاسخگویی شهروندان به پرسش شماره دو: «چند لحظه به محله قدیمی ساغریسازان فکر کنید، چه مکان‌هایی از آن را به خاطر می‌آورید؟»

تعداد مصاحبه‌شونده	بازار سنتی ساغریسازان	خانه‌های قدیمی	حرم خواهر امام (س) رضا	بقعه آقا سید عباس	خانه فرهنگ گیلان	محله‌ها و کوچه‌های قدیمی	مسجد گلدسته	قهوه‌خانه‌های قدیمی	حمام حاجی
۴۷ نفر	۱۲ نفر	۴ نفر	۷ نفر	۶ نفر	۵ نفر	۹ نفر	۲ نفر	۱ نفر	۱ نفر
٪۱۰۰	٪۲۵	٪۹/۵	٪۱۴	٪۱۳	٪۱۰/۵	٪۲۰	٪۴	٪۲	٪۲

عباس اشاره کرده‌اند. درصد بسیار کمی از شهروندان به عناصر ناحیه تاریخی در بافت و خانه‌های قدیمی و حتی حمام حاجی در مقایسه با ساخت و سازهای جدید اشاره کرده بودند که متأسفانه این موضوع، خود حاکی

## ۵-۲-۲- سنجش خاطره جمعی شهروندان در محله قدیمی ساغریسازان

در اولین پرسش از پرسشنامه، مطالعه محدوده تقریبی نقشه‌های ذهنی شهروندان ساکن در این محله قدیمی نشان می‌دهد که بیش از ۶۰ درصد کل نقشه‌های شناختی دریافت شده متعلق به محدوده بازار سنتی ساغریسازان و همچنین محدوده بناهای مذهبی (حرم خواهر امام و بقعه آقا سید عباس و سید اسماعیل و مسجد گلدسته) و خانه‌های قدیمی در محدوده بازار سنتی بوده است. پاسخ شهروندان به سؤال یک پرسشنامه، خود گواه آن است که درصد بسیار کمی از آنان در نقشه‌های شناختی، ورودی خیابان مطهری به محله ساغریسازان یا محله پل عراق به سمت ساغریسازان را جزء

همچنین این شهروندان در پاسخ به سؤال سوم «با شنیدن «بافت قدیمی ساغریسازان» چه رویداد یا تصویر ذهنی یا مکانی به یادتان می‌آید؟»، بیشتر از همه به بازار قدیمی ساغریسازان و مونومان‌های تاریخی همچون بقعه آقا سید



قدیمی که در بافت ساغریسازان به خانه فرهنگ گیلان تغییر کاربری یافته و مورد بازسازی و مرمت قرار گرفته (است) به‌عنوان مهم‌ترین رویداد در حفظ هویت ارزش‌های این محله می‌باشد. از این‌رو، این ساختار آیینی کهن در ذهن شهروندان جایگاه ویژه‌ای دارد.

اکثر شهروندان در پاسخ به پرسش چهارم، «به نظر شما مهم‌ترین رویدادی که در سال در محله قدیمی ساغریسازان می‌افتد چیست؟»، به مراسم سوگواری در روز تاسوعا و عاشورا در صحن بقعه آقا سید عباس و حرم مطهر خواهر امام رضا (س) اشاره داشته‌اند.

بیشتر شهروندان در پاسخ به پرسش پنجم پرسشنامه «اگر به شما بگویند در هر مکانی از محله قدیمی ساغریسازان دوست دارید، می‌توانید زندگی کنید، کجا را انتخاب می‌کنید؟» نیز، به مناطق نزدیک به چهارراه بادی الله (خیابان مطهری) و بازار سنتی ساغریسازان و کوچه‌های کم‌رفت‌وآمد و بعضی از خانه‌های ویلایی تازه ساخت اشاره کردند (جدول ۲).

از در حاشیه قرارگرفتن عناصر معماری بومی در تصویر ذهنی افراد است. در پاسخ به پرسشنامه، افرادی که سالیان طولانی در این محله قدیمی ساکن بودند، درصد بیشتری به حمام حاجی و خانه‌های سنتی رأی دادند و استنباط آن‌ها از انتخاب این مکان‌ها به این دلیل بوده که در زمان جوانی به‌علت نبودن حمام در خانه‌های قدیمی، بیشتر از حمام حاجی استفاده می‌کردند و حتی نسبت به خانه‌ها و کوچه‌های قدیمی حس‌تعلق بیشتری داشته‌اند. این خصیصه نشانگر تحت‌الشعاع قرارگرفتن بافت محله توسط ساخت‌وسازهای بی‌رویه و جدید مسکونی و تجاری و کاهش ارتباط فضایی محله‌ها با یکدیگر می‌باشد. هرچند ساختار فضایی محله توسط ساخت‌وسازهای بی‌رویه در ذهن افراد مخدوش شده، اما توجه شهروندان به رویدادها و فعالیت‌هایی همچون خرید از بازار سنتی و فعالیت‌هایی همچون دسته‌های عزاداری در محوطه بقعه آقا سید عباس و حرم خواهر امام و مسجد گلدسته و همچنین بازدید از مناطق دیگر از جمله خانه فرهنگ گیلان (خانه

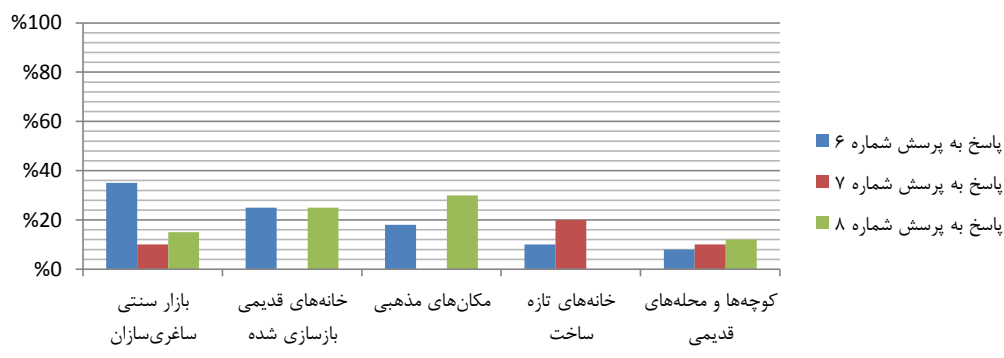
جدول ۲: میزان پاسخگویی شهروندان به پرسش پنجم: «اگر به شما بگویند در هر مکانی از محله قدیمی ساغریسازان دوست دارید می‌توانید زندگی کنید، کجا را انتخاب می‌کنید؟»

مصلحت‌شونده	تعداد	بازار سنتی ساغریسازان	پل عراق	خمیران زاهدان	کوچه صومعه بیجار	دانشسرا	رودبارتان	خواهر امام	چهارراه بادی الله	گذر فرخ ویلایی	خانه‌های تازه‌ساخت	خانه‌های قدیمی	آپارتمان‌های نوساز	فرقی نمی‌کند	نمی‌دانم
۴۷ نفر	۶ نفر	۱ نفر	۳ نفر	۴ نفر	۳ نفر	۲ نفر	۱ نفر	۸ نفر	۳ نفر	۷ نفر	۳ نفر	۴ نفر	۱ نفر	۱ نفر	
٪۱۰۰	٪۱۳	٪۲	٪۶	٪۹	٪۶	٪۴/۵	٪۲	٪۱۷/۵	٪۶	٪۱۵	٪۶	٪۹	٪۲	٪۲	

زیباترین مکان‌ها تلقی کردند و کوچه‌های قدیمی همراه با بناهای قدیمی در حال تخریب را ناخوشایندترین مکان اشاره کردند و همچنین این شهروندان مکان‌های مذهبی را باتوجه به برگزاری مراسم مذهبی، خاطره‌انگیزترین عناصر محله ساغریسازان می‌دانند.

همچنین شهروندان در پاسخ به سؤال‌های ۶، ۷ و ۸ پرسشنامه درخصوص، زیباترین، ناخوشایندترین سیما و منظر کالبدی بناها و خاطره‌انگیزترین مکان در محله، دو مکان شامل: خانه‌های قدیمی بازسازی شده به سبک قدیمی و خانه‌های ویلایی تازه‌ساخت در بافت قدیمی را به‌عنوان

نمودار ۱: میزان پاسخگویی شهروندان به پرسش‌های ششم، هفتم و هشتم



چهارم حاکی از این است که حضور پررنگ در سوگواری و آیین‌های مذهبی در مکان‌های مذهبی، نشان‌دهنده انسجام اجتماعی و تأثیرگذاری اینگونه آیین‌ها و مکان‌های مذهبی بر روی خاطرات جمعی شهروندان و افزایش حس تعلق به این‌گونه مکان‌ها بوده است. در اینجا به‌منظور تأکید حفظ هویت شهری و انسجام اجتماعی موجود می‌توان حفاظت از اینگونه مکان‌های باهویت از جمله: حرم خواهر امام رضا (س)، بقعه آقا سید عباس و اسماعیل و مسجد گلدسته در محله ساغریسازان را به‌عنوان یک راهکار پیشنهاد نمود. تحلیل بر چگونگی پاسخ شهروندان به پرسش‌های پنجم، ششم، هفتم و هشتم به نوعی دال بر عدم توجه به کیفیت کالبدی در بافت تاریخی این محله، کمبود امکانات شهری، غلبه ساخت‌وسازها و آپارتمان‌سازی‌های بی‌رویه در محله قدیمی و تأثیر این عامل بر روی تصویر ذهنی شهروندان و در نهایت کمرنگ شدن عناصر تاریخی مسکونی و غیرمسکونی در تصویر ذهنی شهروندان می‌باشد. این امر خود ناشی از کاهش حس تعلق به مکان هویت‌مند تاریخی و کاهش حس مکان در ذهن شهروندان است.

همانگونه که در جدول ۳ نشان داده شده، برپایه تحلیل پاسخ‌ها به سه پرسش نخست می‌توان کمرنگ شدن کالبد و سیمای عناصر تاریخی در تصویر ذهنی شهروندان، غلبه ساخت و سازهای جدید بر کالبد و عناصر تاریخی محله در تصویر ذهنی شهروندان، از میان رفتن انسجام در ساختار بافت محله را به‌عنوان مهم‌ترین ضعف‌های موجود محله قدیمی ساغریسازان شهر رشت شناسایی کرد که این موارد به نوعی از پیامدهای کاهش حس مکان در این محله قدیمی به‌شمار می‌رود. برپایه مطالعات صورت گرفته مختصر بر روی بافت قدیمی محله ساغریسازان، اتخاذ راهکارهایی همچون حفاظت، مرمت و برجسته‌نمایی ابنیه ارزشمند تاریخی از طریق نورپردازی و علائم محیطی، ایجاد هویت یکپارچه از طریق طراحی و به‌کارگیری عناصر هماهنگ شامل: کفسازی، جداره‌سازی، علایم محیطی مشخص و غیره و ارتقای کیفیت کالبدی باتوجه به هویت سیمای گذشته در طول گذرها، کوچه‌ها و خانه‌های قدیمی، می‌تواند ضمن انسجام‌بخشی به بافت محله، ارتقای حس مکان در محله قدیمی را در پی داشته و حضور در این محله قدیمی با ارزش را در تصویر ذهنی شهروندان پررنگ نماید. پاسخ شهروندان به پرسش

جدول ۳: تحلیل کیفی پرسشنامه ارائه شده به شهروندان در خصوص محله قدیمی ساغریسازان رشت، استنتاج ضعف‌ها و تهدیدها و همچنین ارائه راهکارهای پیشنهادی

ردیف	پرسش‌های پرسشنامه	نوع و میزان پاسخگویی شهروندان در محله	نقاط ضعف و تهدیدهای موجود	تأثیر کارکردها بر روی خاطرات جمعی افراد	راهکار پیشنهادی
۱	لطفاً محدوده تقریبی محله قدیمی ساغریسازان را در نقشه زیر با چند ضلعی بسته ترسیم نمایید و در جدول تکمیلی زیر محدوده تقریبی محله را علامت بزنید؟	- بیش از ۶۰ درصد کل نقشه‌های شناختی دریافت شده مربوط به محدوده بازار سنتی ساغریسازان و همچنین محدوده بناهای مذهبی بوده است. - محله پل عراق و ورودی مطهری به محله ساغریسازان (عناصر و ساخت و سازهای جدید) را جزء محدوده بافت قدیمی می‌دانند.	- کمرنگ شدن عناصر هویت‌بخش معماری باتوجه به ساخت‌وسازهای جدید.	- کاهش حس تعلق به مکان در محله‌های قدیمی.	- ارتقای کیفیت کالبدی و ایجاد هویت یکپارچه از طریق طراحی. - مرمت و احیای کفپوش معابر. - بهبود نمای واحدهای تجاری و مسکونی و عدم استفاده از نماسازی‌های بی‌هویت.
۲	چند لحظه به محله قدیمی ساغریسازان فکر کنید، چه مکان‌هایی از آن به خاطرتان می‌آید؟ چرا؟	- بازار سنتی ساغریسازان ۲۵ درصد - خانه‌های قدیمی ۹/۵ درصد - حرم خواهر امام رضا (س) ۱۴ درصد - بقعه آقا سید عباس ۱۳ درصد - خانه فرهنگ گیلان ۱۰/۵ درصد - محله‌ها و کوچه‌های قدیمی ۲۰ درصد - مسجد گلدسته ۴ درصد - قهوه خانه‌های قدیمی ۲ درصد - حمام حاجی ۲ درصد.	- غلبه ساخت‌وساز جدید در محله قدیمی و عناصر تاریخی محله. - غلبه بناهای درحال تخریب و کوچه‌های قدیمی در محله.	- کاهش حس تعلق به مکان در محله‌های قدیمی.	- پاک کردن هرگونه نوشتار بر روی دیوار و تیر برق. - حذف کردن تابلوهای تبلیغاتی متفرقه - افزایش پاکیزگی و رفت و روب‌های محدوده‌های محله.

<p>- جلوگیری از پرسه‌زنی حیوانات آزاد در محله. - ایجاد کیوسک‌های اطلاع‌رسانی و گشت‌های انتظامی.</p>	<p>- کاهش حس تعلق به مکان در محله‌های قدیمی.</p>	<p>- غلبه ساخت‌وساز جدید در محله قدیمی و عناصر تاریخی محله.</p>	<p>- بازار سنتی ساغری‌سازان ۲۵ درصد. - خانه‌های قدیمی ۱۵ درصد - حرم خواهر امام رضا (س) ۱۵ درصد. - بقعه آقا سید عباس ۱۵ درصد. - خانه فرهنگ گیلان ۶ درصد. - محله‌ها و کوچه‌های قدیمی ۱۰ درصد. - مسجد گلدسته ۱۰ درصد. - قهوه خانه‌های قدیمی ۲ درصد. - حمام حاجی ۲ درصد.</p>	<p>با شنیدن «بافت قدیمی ساغریسازان» چه رویداد یا تصویر ذهنی یا مکانی به یادتان می‌آید؟</p>	<p>۳</p>
<p>- برگزاری مراسم سوگواری و تعزیه و نمایش‌های مذهبی در محوطه خواهر امام و بقعه آقا سید عباس و مسجد گلدسته.</p>	<p>- به وجود آمدن انسجام اجتماعی و پیوند میان مردم و کالبد‌های قدیمی مذهبی.</p>	<p>—</p>	<p>- خرید و فروش در بازار سنتی ۴۵ درصد. - سوگواری و آیین‌های مذهبی منحصر به فرد در مکان‌های مذهبی ۳۵ درصد. - حضور و گردهمایی‌های هنری در خانه فرهنگ گیلان ۱۵ درصد. - هجوم مسافران و گردشگران در محله ۵ درصد.</p>	<p>به نظر شما مهم‌ترین رویدادی که در سال در محله قدیمی ساغریسازان می‌افتد چیست؟</p>	<p>۴</p>
<p>- برگزاری مراسم سوگواری و تعزیه و نمایش‌های مذهبی در محوطه خواهر امام و بقعه آقا سید عباس و مسجد گلدسته. - بازسازی بناهای قدیمی مسکونی و غیر مسکونی. - مرمت بناهای قدیمی و تغییر کاربری آن‌ها به عنوان مکان‌های فرهنگی گروهی. - به‌کارگیری آثار هنری هنرمندان بومی در ارتقای کیفیت فضاهای جمعی. - ساماندهی سیمای شهری باتوجه به عناصر هویت بخش بومی. - استفاده از دوربین‌های مدار بسته در محله.</p>	<p>- کاهش حس تعلق به مکان در محله‌های قدیمی.</p>	<p>- کاهش کیفیت کالبدی ساخت‌وساز در محله قدیمی.</p>	<p>- بازار سنتی ساغری‌سازان ۱۳ درصد. - پل عراق ۲ درصد. - خمیران زاهدان ۶ درصد. - کوچه صومعه بیجار ۹ درصد. - دانشسرا ۶ درصد. - رودبارتان ۴/۵ درصد. - خواهر امام ۲ درصد. - چهارراه بادی الله ۱۷/۵ درصد. - گذر فرخ ۶ درصد. - خانه‌های تازه ساخت ویلایی ۱۵ درصد. - خانه‌های قدیمی ۶ درصد. - آپارتمان‌های نوساز ۹ درصد. - فرقی نمی‌کند ۲ درصد. - نمی‌دانم ۲ درصد.</p>	<p>اگر به شما بگویند در هر مکانی از محله قدیمی ساغریسازان دوست دارید می‌توانید زندگی کنید، کجا را انتخاب می‌کنید؟</p>	<p>۵</p>
<p>- ساماندهی سیمای شهری باتوجه به عناصر هویت بخش بومی. - استفاده از دوربین‌های مدار بسته در محله.</p>	<p>- کاهش حس تعلق به مکان در محله‌های قدیمی.</p>	<p>- کمرنگ شدن عناصر تاریخی در تصویر ذهنی شهروندان.</p>	<p>- بازار سنتی ساغری‌سازان ۳۵ درصد. - خانه‌های قدیمی بازسازی شده ۲۵ درصد. - مکان‌های مذهبی ۱۸ درصد. - خانه‌های تازه ساخت ۱۰ درصد. - کوچه‌ها و محله‌های قدیمی ۸ درصد. - بناهای قدیمی در حال تخریب ۴ درصد.</p>	<p>زیباترین مکان از نظر شما و کالبد شهری در محله قدیمی ساغریسازان کدامیک است؟</p>	<p>۶</p>

<p>- دیوارکشی ساختمان‌های متروک و زمین‌های بلااستفاده با حصارکشی. - ایجاد مراکز خرید و صنایع دستی. - برگزاری مراسم‌های آیینی در مساجد قدیمی.</p>	<p>- کاهش حس تعلق به مکان در محله‌های قدیمی.</p>	<p>- کاهش کیفیت کالبدی در محله ساغریسازان.</p>	<p>- بازار سنتی ساغریسازان ۱۰ درصد. - خانه‌های قدیمی بازسازی شده ۰ درصد. - مکان‌های مذهبی ۰ درصد. - خانه‌های تازه‌ساخت ۲۰ درصد. - کوچه‌ها و محله‌های قدیمی ۱۰ درصد. - بناهای قدیمی در حال تخریب ۶۰ درصد.</p>	<p>ناخوشایندترین مکان از نظر سیما و کالبد شهری در محله قدیمی ساغریسازان کدامیک است؟</p>	۷
<p>- ایجاد مسیرهای اطلاع‌رسانی و نصب لوح‌هایی از آثار فرهنگی. - نمایش و تبلیغ آثار مرمت شده از بناهای قدیمی در جداره‌های شهری محله.</p>	<p>- کاهش حس تعلق به مکان در محله‌های قدیمی.</p>	<p>- کاهش کیفیت کالبدی در محله ساغریسازان.</p>	<p>- بازار سنتی ساغریسازان ۱۵ درصد. - خانه‌های قدیمی بازسازی شده ۲۵ درصد. - مکان‌های مذهبی ۳۰ درصد. - خانه‌های تازه‌ساخت ۰ درصد. - کوچه‌ها و محله‌های قدیمی ۱۲ درصد. - بناهای قدیمی در حال تخریب ۱۸ درصد.</p>	<p>خاطره انگیزترین مکان در محله ساغریسازان کدامیک است؟</p>	۸

## ۶. نتیجه‌گیری

و قوت‌های موجود در این بافت قدیمی به‌نظر می‌رسد اقداماتی که در نتیجه سهل‌انگاری و بی‌توجهی در مدیریت شهری و شهرسازی به تحقق نینجامید. این پژوهش میدانی توانسته است تا حدودی چگونگی بهره‌گیری از خاطرات جمعی شهروندان را در راستای احیاء بافت‌های قدیمی با ارزش در محله قدیمی ساغریسازان رشت نشان دهد. برخی از این راهکارها و تمهیدات، استفاده از خاطره جمعی در احیای بافت با ارزش می‌تواند با به‌کارگیری مشارکت شهروندان و دریافت نقشه‌های شناختی آن‌ها نسبت به مکان، حفاظت از آیین‌ها و برگزاری نمایش‌های آیینی خاطره‌انگیز همچون تعزیه در مکان‌های مذهبی و به‌کارگیری از عناصر بومی محله در ساخت‌وسازهای جدید و مورد مطالبه روز شهروندان اشاره نماییم. با این حال تحلیل و دسته‌بندی مشخص راهکارها و پیشنهادات طراحی و تکنیکی که می‌توان از آن طریق خاطرات جمعی شهروندان را نسبت به سیما و کالبد شهری تقویت نمود، از حیث این مقاله خارج بوده و نیازمند پژوهش عمیق‌تر در راستای رسیدن به این هدف می‌باشد.

باتوجه به تحلیل‌های نظری و میدانی صورت گرفته می‌توان گفت تعاریف حس تعلق به مکان، تصورات درون ذهنی انسان را در ارتباط با محیط انسان‌ساخت نشان می‌دهد. این مفهوم از یک جنبه ریشه در ساختار پدیدارشناسی و تجربه‌های ذهنی همچون خاطره، فرهنگ، تاریخ، سنت، اجتماع و غیره دارد و از جنبه دیگر متأثر از رویکردهای عینی و بیرونی در محیط مانند علوم تجربی و طراحی و غیره است. این امر خود نشان‌دهنده این مطلب است که حس تعلق به مکان و خاطره جمعی مفهوم پیچیده‌ای است که در اثر تعاملات اجتماعی و رفتاری و استفاده انسان از مکان به‌وجود می‌آید؛ از این‌رو، خاطره جمعی، خاطرات مشترک میان افراد باتوجه به وقایع و رویدادهای تجربه شده در مکان است که در چارچوب اجتماعی و فضایی رُخ داده است. درخصوص محله قدیمی ساغریسازان رشت پایه تحلیل و پژوهش انجام شده بر مبنای پرسشنامه‌های شناختی و ذهنی که توسط شهروندان دریافت شده است صورت پذیرفت، بنابراین، ضمن شناسایی ضعف‌ها

## پی‌نوشت

1. SPSS Data Collection
2. Collective Memory
3. Carp and Zawadski
4. Maurice Halbwachs
5. Xi'an Statement

۶. از جمله دیگر نشست‌های مرتبط با این موضوع اجلاس ۲۰۱۴ ICCN اصفهان و نیز نشست ایکوموس با محوریت «تهدیدهای هویت: از دست رفتن سنت‌ها و خاطرات جمعی ۲۰۱۵» در ژاپن است.

7. Shamai
8. Sense of Place
9. Schultz
10. Congnitive Identity
11. Relph
12. Place and Placelessness
13. Spatially
14. Bioregional
15. Sethalow
16. Place Attachment

## References

- Crap, F., & Zawadski, R. (1976). Dimensions of Urban Environmental. *Quality Environmental Behavior*, 8(2), 239-264.
- Falahat, M.S. (2006). The Sense of Space and its Factors. *Journal of Fine Arts*, 26, 57-66.
- Google Maps (2019). <https://www.google.com/maps/place/Rasht>.
- Governorate of Rasht. (2015). Gilan. <https://rasht.gilan.ir>.
- Grütter, J.K. (2014). *Ästhetik der Architektur: Grundlagen der Architektur-Wahrnehmung*. (Pakzad.J, Homayoun.A, Ed. & Trans.). Tehran: Shahid Beheshti University Press.
- Halbwachs, M. (1980-1950). *The Collective Memory*. (Francis JD JV, Vid YP, Ed. & Trans.). Reprinted by Harper Colophon Books.
- Lawson, B. (2012). *Language Space*. (Eyni Far. A, & Karimiyan. F, Trans.). Tehran, Tehran University Press.
- Lewicka, M. (2008). Place Attachment, Place Identity, and Place Memory: Restoring the Forgotten City Past. *Journal of Environmental Psychology*, 211.
- Lynch, K. (2014). *The Theory of the City*. (Bahrain. S.H, Sixth Ed. & Trans.) Tehran. Tehran University Press.
- Ministry of Roads and Urban Development of the Islamic Republic of Iran, Gilan, (2015). <http://gilan.mrud.ir>.
- Nadimi, H. (2014). Porch Review (Ten Articles on Architecture), Tehran, Islamic Republic of Iran's Academy of Arts.
- Partoy, P. (2013). *Phenomenology Place*, Tehran, Shadrng Press.
- Québec Declaration on the Preservation of the Spirit of Placet. (2008). Adopted at Québec, Canada.
- Rico, P. (1995). Forgotten Historical Memory. *Journal of Talks*, Tehran, 8, 49.
- Rossi, A. (1982). *The Architecture of the City*. Cambridge, the MIT Press, Massachusetts.
- Sarmast, B., & Motevaseli, M.M. (2010). Measure and Analyze the Role of Place Scale on the Place Attachment (Case Study: Tehran). *Journal of Urban Management*, 26, 133-146.
- Schultz, S., & Schultz, D. (2014). *Theories of Personality*. (Seyed Mohammadi.Y, Ed. & Trans.). Publication Editing, Tehran.
- Shamai, S. (1991). *Sense of Place: An Empirical Measurement*, 22, 347-358.
- Sun-Young, R. (2003). Boundary and Sense of Place in Traditional Korean Dwelling. *Sungkyun Journal of East Asian Studies*, 3(2).
- Wilson, R. (2005). Collective Memory, Group Minds and the Extended Mind Thesis.

# Assessing the Role of Collective Memory in the Process of Rasht's Saqarisazan Houses and Old Texture Revitalization\*

Mahmoud Ananahad<sup>a</sup>- Hamzeh Gholam Alizadeh<sup>b\*\*</sup>- Farzaneh Asadi MalekJahan<sup>c</sup>

<sup>a</sup> Ph.D. of Architecture, Faculty of Graduate Studies, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran.

<sup>b</sup> Assistant Professor of Architecture, Faculty of Architecture and Art, University of Guilan, Guilan, Iran (Corresponding Author).

<sup>c</sup> Assistant Professor of Architecture, Faculty of Engineering, Islamic Azad University, Rasht Branch, Rasht, Iran.

Received 13 May 2017; Revised 19 August 2017; Accepted 04 November 2017; Available Online 22 September 2019

## ABSTRACT

The valuable old textures in Rasht, including the old Sagharisazan Neighborhood, are considered as the ground for the occurrence of events and reminder of the individual and collective memories of the citizens that play an important role in kinship and rendering the urban environment's meaningfulness. The playing of the intended role entails the existence of identifiable codes in the old textures that have undergone depreciations in the course of time. The current research paper investigated the collective memories of the residents in the revitalization of the valuable and old Sagharisazan's houses and buildings. After dealing with the existent theories in the area of the collective memory and performing a case study with an analytical approach, the hypothesis was tested. The present study's question pivoted about the idea that is it possible to benefit from the citizens' collective memories for the revitalization of the architecturally valuable old houses and textures or not? Moreover, the present study's focal point has been drawn on the assumption that the continuation and preservation of the overall identity of Sagharisazan's texture seems to be dependent on the citizens' collective memory and sense of attachment in the intended texture. The goal of the present study was finding practical suggestions for increasing quality in the valuable old textures and, since the qualitative elaboration of the environmental factors and axes aimed at the achievement of executive suggestions, the present study's research method was consequentially descriptive-analytical and the information has been gathered through searches in the library resources. To investigate the study sample volume's vernacular houses and buildings, a questionnaire was prepared and arranged for assessing the indices that was administered to 47 residents in this old texture and the acquired information was analyzed using SPSS<sup>1</sup>. The results indicated that the old texture has been abandoned and many of the memories of this neighborhood have lost their color due to the urban management's paying attention to new constructions. The role of collective memory in the revitalization of the valuable old textures can be actualized through citizens' participation and acquiring of their cognitive amps in respect to place, preservation of the rites and rituals and holding of memorable ritual exhibitions in religious places and conservation of the valuable and old vernacular elements and applying them in the new constructions demanded by the modern statuses of the citizens.

**Keywords:** Collective Memory, Sense of Place, Sense of Attachment, Old Textures, Sagharisazan, Rasht.

\* The article is an excerpt from a Ph.D. dissertation by the first author under the title "recognition of architectural patterns in valuable old texture with the purpose of preserving identity in the renovation of residential units (case study: old Sagharisazan Neighborhood in Rasht)" that was supervised by the second author and advised by the third author in the architecture department of Islamic Azad University, Rasht Branch.

\*\* E-mail: H.Gholamalizadeh@yahoo.com.

## 1. INTRODUCTION

Old textures of the cities remind of the memories that possess a persistence stance in the citizens' minds regarding the continuous events and incidents. Undoubtedly, individual and collective memories have an important effect on the preservation of the individuals' identities, especially creation of a sense of attachment (belonging) to a place wherein the memories have been formed. Therefore, the places lacking transpersonal meaning and experience cause the negligence of the citizens' common memories in the old textures and such memorable places would subsequently undergo metamorphosis. Thus, the creation of richer places and habitats is needed and the existent places should be also more effectively used and the role of the places should be improved in today's life of the human beings. Ignorance of the revitalization of the collective memory in line with the citizens' sense of attachment to the old architectural textures would be followed by irreversible outcomes, including identity crisis in architecture and urban engineering and it is highly important to pay attention to the reasons why this issue has been left unattended. Various factors are involved in forming and remembering the individual and collective memories. In this regard, the memory is essentially related to the performance of individual and collective behaviors having a greater deal of effect on the individual emotions. The intended behaviors occur in a special place and are transformed to memory after being recorded in the long-term memory. In this regard, the place and its related features play essential roles. Since remembering the contents of the long-term memory happens through association, it is accordingly imagined that the experiencing of the properties of a place wherein the behaviors related to the citizens' individual and collective memories are exhibited, can set the ground for memories' association. In fact, the present study was found necessary as explained in the following cases:

A. The importance of protecting the memorable places for creating identity values and better identification of the essence of urban engineering and architectural identity and culture

B. Finding practical solutions for increasing the quality in the old and valuable texture for augmenting the sense of attachment towards the intended spaces

Here, the question is raised as to whether the citizens' collective memories can be utilized for the revitalization of the architecturally valuable old houses and textures? What roles do the citizens' collective memories and sense of attachment play in the continuation and preservation of the texture's identity of choice?

## 2. ETHODOLOGY

Considering the nature and vastness of the subject in various stages of the research, the descriptive-

analytical method was chosen as the approach governing the study methodology and the required information was collected through searches in the library sources and field activities. Based on this study method, the analytical results have been presented within tables, diagrams and writings. Of course, qualitative and quantitative approaches have also been adopted in parts of this research and the data have been analyzed using SPSS Software. The correct selection of statistical test in SPSS is very important. Therefore, a large volume of the statistical data was collected as the study sample volume based on which answers can be found to the study questions and hypotheses. In the present study, the type of the test used in SPSS was chosen according to the 18-month time span through statistical inference and calculation of estimations from the population's parameters such as mean or variance of the population through sample statistics (like mean or variance of the sample volume). In other words, the data analysis method in this study has specifically been intellect and reasoning. Considering the fact that the data have been collected, evaluated and analyzed through deductive reasoning, simulation and modeling of all happen by the assistance of thinking, contemplation and logics. The present descriptive-analytical study, meanwhile offering the existent information, elaborated the quality of the problem and its dimensions. When there was no information available regarding the population's variance and/or the success or failure likelihood of the variable, the statistical formulae could not be used for estimating the study's sample volume; so, Morgan's table would be one option. This table gives the maximum number of the sample volume ( $S$ = sample volume and  $N$ =the population's volume). In selecting the samples according to Morgan's table and the population residing the neighborhood's texture, the study sample volume ( $N$ ) included the old houses above 50 years of age; at present, 55 households were found living in the old houses of Sagharisazan Neighborhood (efforts were made in the selection of the statistical population to take into account all of the social classes using the native and old and valuable houses situated in Sagharisazan Neighborhood including the houses with residents and the houses with land use changes and reconstructions) and the study sample volume ( $S$ ) was selected equal to 47 households in the old and valuable texture of Sagharisazan according to Morgan's table.

## 3. BAKGROUND OF THE STUDY

Systematic study of the quality of a residential environment is a rather new topic and it is generally specific to the second half of 20th century. Carp and Zawadski have divided the studies carried out in this regard into two sets: A) some of the preliminary studies are secondarily associated with the subject of environment quality. The characteristic and



background of such studies are more related to the investigation of the mutual relationships between the individuals and their immediate environment and the effects of the residential units' physical adjacency on the social behaviors of the individuals; B) some of the other studies carried out on the environment quality have been concentrated on the characteristics of the individuals residing in a neighborhood as neighbors (Carp & Zawadski, 1976, p. 240).

In some of the studies, it has become clear that the properties of the individuals residing the neighborhood are a lot more important than the physical indices of the neighborhoods for the determination of the residents' satisfaction rate. Generally, the researches on the quality of the urban environment were seminally commenced from the quality of the house and the rate of satisfaction in the immediate residential environment had expanded to the vaster areas in neighborhood, local community, city, region and country levels. Therefore, the importance of reconstruction showed itself in the revitalization of the architectural contexts for restoring life in the urban economy and communities as well as improvement of the old lands and current inefficient activities therein and creation of modern opportunities and better environment for the future generations.

Memory was posited first by Maurice Halbwachs, a French sociologist, in the book "social frameworks of memory" (Wilson, 2005, p. 9). Attentions to the preservation of spiritual and social experiences, rites and customs and vernacular knowledge have been delineated in Xi'an Declaration (2005). Specific attentions to the concepts of the place spirits can be seen in this period in the dedication of Quebec Declaration (2008) to the subject. This announcement has defined such components as context, spirituality and human being in interaction with building as factors giving meaning, value and feeling to a place (Quebec Declaration, 2008)<sup>2</sup>. On the other hand, the research programs have been placed atop of the agenda of Gilan Province's Housing and Urban Engineering Office under the supervision of the governmental housing and urban engineering organizations and institutions in the area of the old urban textures with certain applied objectives, evaluation and classification of the historical places so that a concentrated and national information bank can be created for these places by the Revitalization Fund of the organization. Amongst these studies, the comprehensive plan of Rasht in May, 2006, by Tarhe-Kavosh Engineering Company can be pointed out that was implemented for the revitalization of the old textures in Rasht. The results obtained from the investigation of the subject's background indicated that there are not performed many studies regarding the effect of collective memory for the revitalization of the valuable old houses and texture and that the research on the old texture and collective memory is always posited in separate.

## 4. LITERATURE REVIEW

### 4.1. Conceptualization of the Sense of Attachment to a Place

Many of the people who have taken a lot of trips in their lives express an increasingly subtle need for return to their roots in the rest of their lives. This need can be envisioned as a need for identity and sense of attachment to a place or, in other words, the need for settling down in a place (Lawson, 2012, p. 19). The spaces that accommodate a large number of individuals are the loci for the expression of behaviors that are predictable to a large extent because the thing that matters in such spaces is not the behaviors of every individual member rather the important thing is the behavior exhibited by the individuals who have gathered around as a whole. In case that our physiological and security needs are sufficiently satisfied, we would pay attention to such needs as belonging and affection. The satisfaction of the need for belonging is more difficult in the communities that are increasingly variable. A few of us live in a neighborhood that we have grown up and are still having the primary school friends; therefore, we have lost the possibility of developing roots and fostering the sense of attachment. Many of the individuals endeavor to satisfy the sense of belonging in other forms like by going to the church or historical places (Shultz & Shultz, 2014, p. 397).

Undoubtedly, the preservation of the identity in respect to a place that has given a perception of the existence and being to certain persons cannot be accomplished if it is not recognized. Based on Canter's Model, a place is a part of the constructed space or natural space which is the result of the mutual relationships between three factors: A. human behavior; B. meanings and concepts; and C. contextual specifications and distinction as well as remaining constant and persistent (keeping on) and belonging to the group. Sense of attachment is a higher level of sense of a place that plays a determinant role for the enjoyment and continuation of a person's presence in place. This sense leads to the bond between the individual and the place wherein s/he finds oneself a part thereof (Sarmast & Motavasseli, 2010, p. 137). Shamai introduces seven stages as the ranks of sense of place and the first three primary of them are belonging to a place, attachment to a place and commitment to a place and so forth to the seventh stage. These levels include the application of sense of place from indifference towards a place to sacrifice for a place as explained in the following stages:

1. Indifference to a place: It is used in assessing the sense of a place.
2. Awareness of being in a place: The individual knows that s/he is living in a distinct place according to the symbols s/he recognizes in that place, but there is no sense of the place to make him or her associated with the place.

3. Sense of place: In this level, the individual knows the name of the place's symbols and feels existence and respect with the place in respect to the events occurring in the place.

4. Attachment to the place: In this level, the individual develops deep affectionate feelings towards the place which becomes meaningful and the axis of the individuality for him or her. Furthermore, the collective experiences and identity of the individual along with the meanings and symbols give personality to the place.

5. Uniting with the place's goals: This level reveals the individual's attachment to the place's needs that create zeal, love, support and self-sacrifice in him or her towards the place.

6. Presence in place: It is the highest level of sense of place and the individual feels so much commitment towards the place and exhibits a lot of sacrifice in various situations for preserving the values, freedoms and welfare.

7. Sacrifice for a place: This level is the highest level of a sense of place and the individual has the deepest commitment towards the place and exhibits a lot of sacrifice for the attitudes, values, freedoms and welfare in various situations. In this level, the individual is ready to leave his or her individual and collective interests for greater interests of the place (Shamai, 1991, pp. 347-358).

Schultz confirmed the past architecture of the human life wherein the meanings were interlaced with the place and the human beings generally felt attachment even with the life difficulties and social injustice and announced the creation of a central space or an existential space wherein the individual could adapt oneself to the environment and feel sympathy towards it as the goal of architecture. In defining the nature of the place, he named it a general whole consisting of contextual objects and elements and the thing that is indeed considered as the spirit or nature of the place.

## 4.2. Memory and Collective Memory

In Dehkhoda Dictionary, the term "memory" has been defined in the following words: "the things an individual has experienced and has traced in his or her mind". Longman Dictionary has defined memory as "an individual's ability in remembering things, places, experiences and so forth". Webster Dictionary has the following words as the meaning of memory: "ability and/or process of remembering or reproducing of the taught and memorized materials". Based on the literal definitions, it can be stated that "memory is remembering of the past incidents and events by the individual through remembering individuals, objects, places and experiences". We often consider memory substantially as a personal and individual concept; but, it should not be forgotten that the memories have a lot of effects on the individual life as well as the social life. It is the memories that create a sort of attachment to the

past, present and future in us (Grütter, 2014, p.178).

The majority of the theoreticians agree on the idea that the creation of affective bonds with the place is amongst the prerequisites of psychological balance that entails domination over the identity crises and can set the ground for the people's engagement in local activities (Lewicka, 2008, p.211). Collective memory is a set of associations that exist in the community in the form of narrations and create a sense of attachment between the members of a community. In addition, one of the other functions of collective memory is bestowing of identity to the individuals (Rico, 1995, p.49). Therefore, the individual's collective memories in the human habitats obey the experimental events in the area of social behaviors and the spaces they have in their minds from the past. These memories can considerably contribute in a transpersonal manner to spatial and social coherence and sense of attachment to a place and enhancement of personal identity.

## 4.3. The Relationship between Collective Memory and Sense of Attachment to a Place

The historical buildings are constantly enlivening memories of their contexts in the minds of the society members whereas such a reviving of the memory observed by an individual in respect to the peripheral environment might be voluntary or involuntary. Such a revival of the memories might form occasionally in individual form and occasionally from the internal group and transpersonal nature. Thus, the individual's relationship with the environment gains a particular importance in the first place.

The individual's relationship with the environment depends on the environment, on the one hand, and on the human beings' characteristics, on the other hand. The individuals are related and connected to their peripheral environment in various respects. The connection to and dependency on the environment is established not by a tangible factor but by abstract factors. These abstract factors include environmental information as well as tendency for showing a special behavior and creating a change in the environment. In between, we occasionally coordinate ourselves with the environment's properties and occasionally change the environment based on the mentalities we have previously constructed of this environment. It is the environment that sometimes navigates the behaviors and it is the behaviors that bring about changes in the environment and these effects and impressions are going on constantly and continuously.

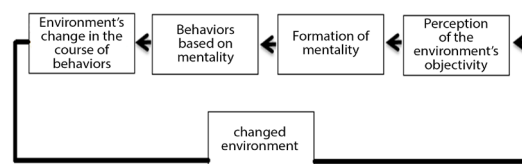


Fig. 1. The Process of Human-Environment Relationship (Grütter, 2014, p. 45)

According to the studies performed by Halbwachs, the thing that resides in the form of common and compact collective memories in the individuals' minds is retrieved in the process of individual memories of each person and reminds of a great many of our personal memories. The historical memories generalize the extents of these memories that stem from the individuals' personal experiences. These cases are the things individuals have in their minds (Halbwachs, 1980, p. 51). In his mind, memories need a framework and this is per se in need of remembering the memories. He gives this same memory framework as the name of community and quotes August Conte to offer a more comprehensive explanation in this regard and asserts that "our peripheral environment includes our and other's signs so objects are parts of the society" (Halbwachs, 1950, p. 2). Aldo Rossi recounts city as history and adopts two historical approaches to the city: the first one is that "the city is an artificial and material element on which the traces of the time can be seen" and the second one is that "history is a shaped structural study of the urban artefacts" (Rossi, 1982, p. 128). Besides the individual memory, we also have a collective memory that incorporates memories, beliefs, values and the opinions we share with the others. Although memory is a personal and individual concept, it should not be forgotten that the memories have a large deal of effect on both of our individual and the social life. Memories can cause the sense of attachment in the past, present and future.

#### **4.4. The Relationship between the Old Textures and Increase in the Sense of Belonging**

The old texture starts forming in the periphery of the city's preliminary cores, i.e. the historical texture, and attached thereto. This part of the city that has been formed in the interval between transitions from calm urbanization to fast urbanization is neither so much historical nor so much new. Even its organization is something in the spatial span between the historical and new textures. The past architectural works are more persistent that the artists and architects themselves have caused the continuation of the architectural tradition because the architect finds oneself an intermediary of the architecture's formation and speaks of his or her belonging to the past architecture (Nadimi, 2014, p. 253).

Place is a ground of activities and generally features a cognitive identity. It also incorporates diverse social worlds and possesses a history interweaving the past, present and future. Each of these aspects is of a certain amount of importance. Relph writes in the book "the place and the placelessness" that "places are combinations of the natural and human orders and they are considered as the important centers of our immediate experiences of the world". In his idea, the primary attribute of the place is spatially latent in its ability for organizing and concentrating on the human

intentions, experience and behavior (Partoy, 2013, p. 75).

The concept of sense of a place determines the nature of the place and it can be found in places serving certain and distinct functions. The spatial experiences are essentially time-oriented and memory-driven and give a sense of living in the environment featuring certain boundaries and identity. Sense of a place is the common feeling of the human communities. In other words, it is a common feeling of life in an environment that possesses specified borders and a bioregional life identity.

The various levels of familiarity with a place are:

A. Very deep familiarity with the place: This level comes about when the individual is per se present in the place and unconsciously experiences it.

B. Ordinary familiarity with the place: This level includes an unconscious experiencing of the place and it is more collective and cultural than being individual and embraces the subtle and unthought participation in the views of a place.

C. Superficial familiarity with a place: It is the experience by a sensitive but unfamiliar individual in a place and it is following the perception of this subject that the place finds a certain form and meaning for the individuals living therein (Falihat, 2006, p. 59).

Therefore, it can be stated that sense of place deeply and permanently influences the people and the memory of the place corroborates the human beings' identity and power. In fact, the sense of attachment and belonging to a place is a higher rank of sense of a place that attains a determinant role in every situation and space for the mankind's enjoyment thereof and his continuation of presence in place. From the perspective of Sethalov, belonging to a place can be interpreted from psychological and identity aspects. In psychology, belonging to a place refers to the cognitive relationship between an individual with an environment or a special space and, in identity terms, belonging to a place is the individual's identity and belonging relationship with the social environment wherein s/he lives. In fact, attachment to a place is the symbolic relationship created by individuals towards a place that gives common emotional, affective and cultural meanings to a given space. In fact, the individuals relate the places to the cultural properties in such a way that a space can provoke the human experience and create values for the old buildings in the cultural meanings and concepts. Meaning depends on the form of space and its quality; in the meanwhile, it also depends on the culture, position, experience and current destination of the observer, as well. With this perspective, a special place would seem different to various spectators (Lynch, 2014, p. 167). Generally, a place can even have a symbolic concept beyond its memorability-based function or a given event. This is actualized when the place is expressive of a thing more than its main content. We see everything related in our minds with its environment and we often assess

it not only in respect to the environment but also exactly in respect to a place and this is of great help to our collective and mental memories. This mental

relationship becomes clearer when we see a lot of changes in the nature and structure of an architectural building and old texture in contrast to the past.

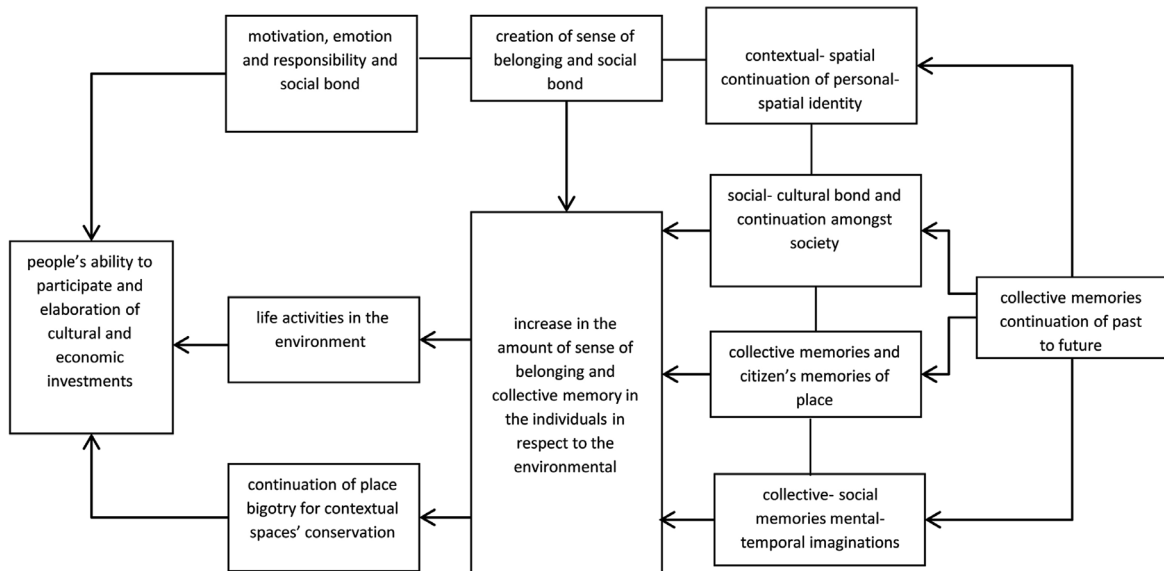


Fig. 2. Analyzing the Theoretical Framework and Application of Collective Memory in the Revitalization of the Valuable Urban Textures

## 5. RECOGNITION OF THE REGION AND FIELD STUDIES

### 5.1. Region of the Study

Rasht County is situated in the center of the province which shares borders with the Caspian Sea and Anzali Province in the north, with Rudbar County in the south, with Siahkal, Lahijan and Astaneh Ashrafiyeh Counties in the east and with Some'eh Sara, Fuman and Shaft Counties in the west. The county is about 1427 square kilometers in area. Gilan Province is divided

into six districts, seven cities, 18 suburban regions and 293 villages; the population of the province is 918445 people out of whom 698014 individuals live in the cities and 220431 individuals live in the villages (government of Rasht, 2015, Gilan, <https://rasht.gilan.ir>). It is worth mentioning that there is above 2500ha old texture in Gilan province with 965ha of it being positioned in Rasht alone in such a way that old texture accounts for about 7% of the entire city area and 38% of the entire provincial area (<http://gilan.mrud.ir>, ministry of roads and urban development of Islamic Republic of Iran, Gilan, 2015).

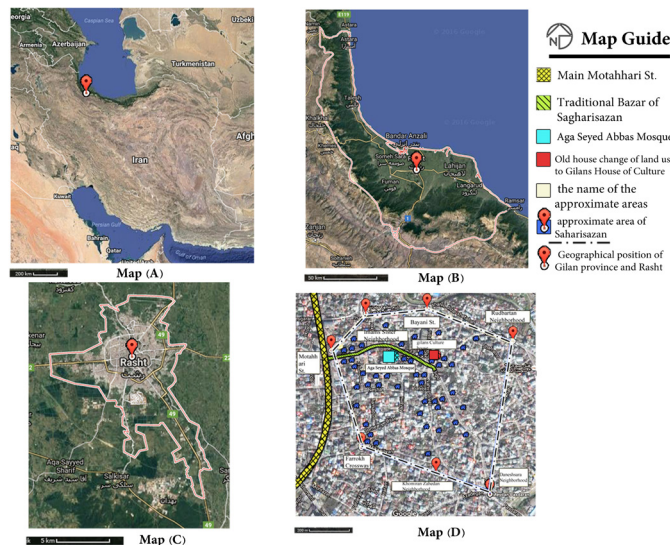


Fig. 3. Geographical Position of the Old Saghariisazan Neighborhood in Rasht in Respect to the National, Provincial and Urban Scales in 2019 (<https://www.google.com/maps/place/rasht>)

## 5.2. Old Sagharisazan Neighborhood

Sagharisazan is one of the old neighborhoods in the city of Rasht and it is located in the large region of Khamiran Zahedan. The construction of this neighborhood and its residential and nonresidential buildings dates back to more than one and a half centuries ago and part of it is considered as an old urban texture. The neighborhood has been constructed and used gradually and with no prior plan following the lead of Rasht's old bazar during Safavid Era in the periphery of the bazar by the residents. This neighborhood is consisted of a row of stores and shops forming the bazar. Sagharisazan is amongst the few neighborhoods in Rasht that has largely preserved its traditional texture. Amongst the

other specifications of the neighborhood, the existence of several religious centers and vernacular houses dating back to long ago can be pointed out. The oldness and tradition are the important and considerable features of Sagharisazan wherein the rich and the poor used to live at each other's side without any separation; it is currently considered as a worn-out and, in the meantime, historical and valuable texture part of which has undergone changes and many of the affluent social classes have moved away from it. The important elements of the neighborhood are old and valuable vernacular houses, Sagharisazan's Goldesteh Mosque, Aqa Sayed Abbas and Ismail Mausoleums and Haji Bathroom.

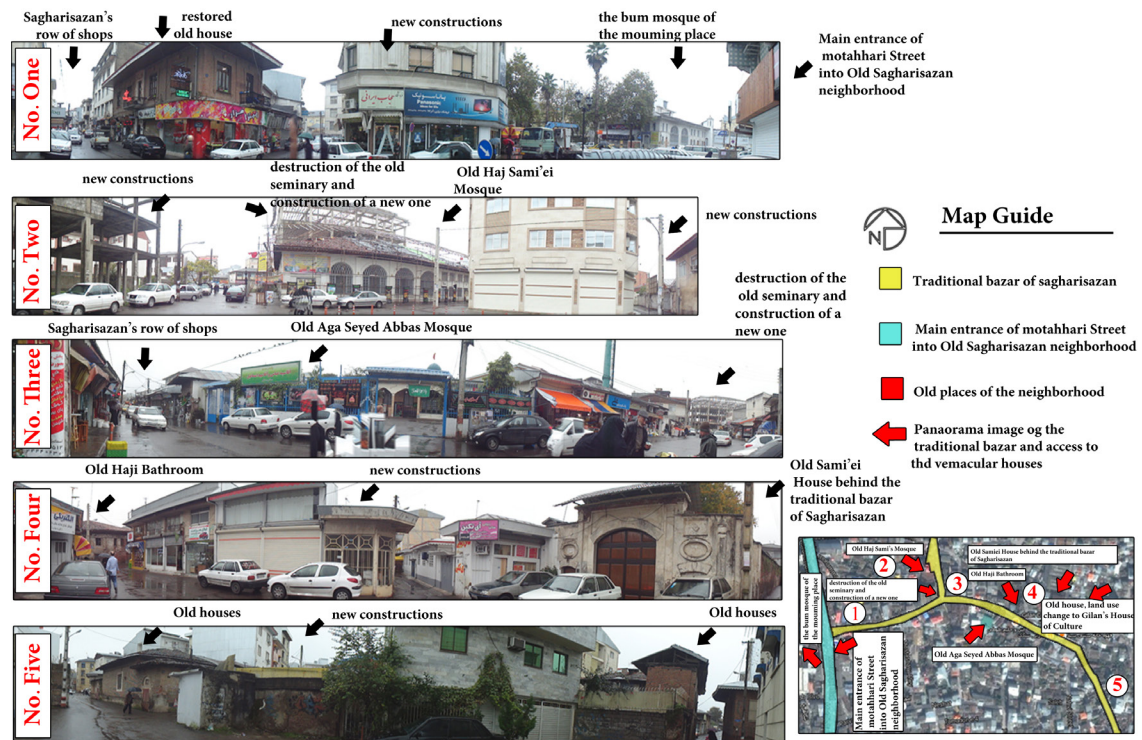


Fig. 4. Analyzing the Panorama Images of the Old Sagharisazan Neighborhood's Walls and the Accentuation of the New and Immethodical Constructions

### 5.2.1. Position of the Selected Old Houses in Sagharisazan Neighborhood

Every limitation is defined by border. Heidegger states in this regard that "the place and realm of neighborhood cannot exist without borders and its relationship with the adjacent environment" (Sun-Young, 2003, p. 26). The following table has been drawn on the question as to "where do you think the border and realm of Sagharisazan Neighborhood lies?" In total, 47 individuals were interviewed and it was observed in

the answers that several borders have been pointed out in various directions of the neighborhood. The majority of the interviewees provided more than one reply and, since the interview was performed based on an open-end response method, the old residents of the neighborhood were more comfortable in introducing the border but the new residents had scattered and variegated responses due to their short period of residence and use of the environment in such a way that it was difficult for them to separate Sagharisazan's border.

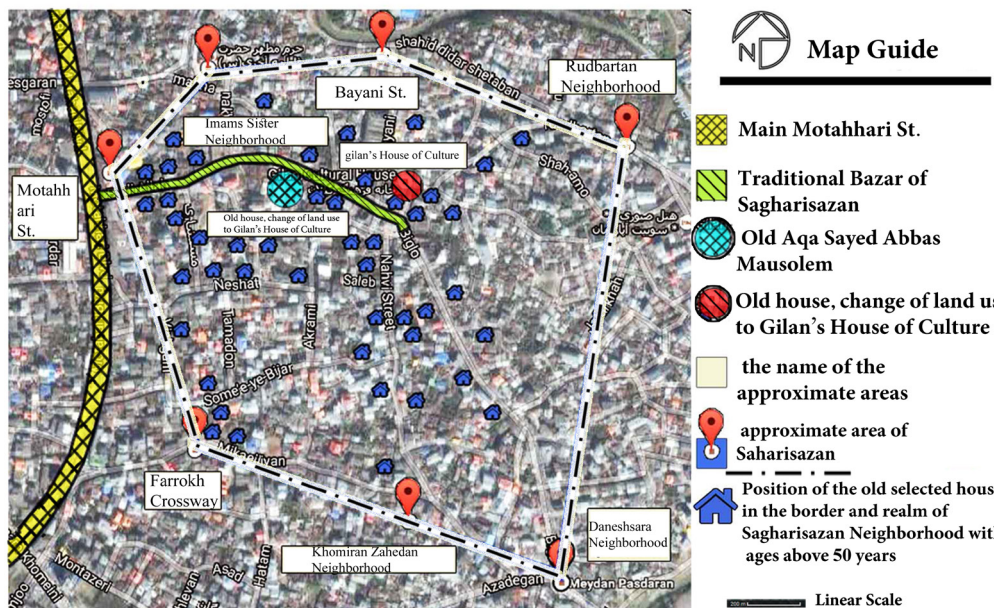


Fig. 5. Limits of Sagharisazan Neighborhood and the Position of the Selected Old Houses in the Border and Realm of Sagharisazan Neighborhood in 2019

5.2.2. Assessing Collective Memories of the Citizens in Old Sagharisazan Neighborhood

In the first question of the questionnaire, the study of the approximate limits of this old neighborhood in the mental maps of the citizens residing it showed that more than 60% of the entire received cognitive maps belong to the traditional Sagharisazan's bazar as well as the religious buildings' areas (holy shrine of Imam's sister and Aqa Sayed Abbas and Sayed Ismail Mausoleums and Goldasteh Mosque) and old houses in the traditional bazar's domain. The citizens' answer to the first question of the study was per se a testimony to the idea that a few percentages of them know in their cognitive maps that the Motahhari Street's entrance into Sagharisazan Neighborhood or Iraw Bridge Neighborhood towards Sagharisazan has been within the area of the neighborhood and the old texture

of Sagharisazan; therefore, it can be concluded that the existence of the traditional bazar's row of shops at the side of the old houses and religious buildings has left a permanent image in the citizens' memory of this old texture. In answering the second question of the questionnaire "think about the old Sagharisazan Neighborhood for a while; what places of it do you remember?", the majority of the respondents pointed to the traditional bazar of Sagharisazan and the old neighborhoods and alleys (25% to the traditional bazar of Sagharisazan and 20% to the old neighborhoods and alleys). In between, such historical buildings like Aqa Sayed Abbas Mausoleum and Goldasteh Mosque and holy shrine of Imam's sister and the old houses accounted for a lower percentage due to the immethodical and new constructions lacking the proper identity at the side of these valuable works.

Table 1. The Citizens' Frequency of Responses to the Second Question: "Think About the Old Sagharisazan Neighborhood for a Moment, Which Places do you Remember in it?"

Number of interviewees	Traditional Sagharisazan Bazar	Old houses	Holy shrine of Imam's sister (PBUH)	Aqa Sayed Abbas Mausoleum	Gilan's house of culture	Old alleys and neighborhoods	Goldasteh Mosque	Old coffee shops	Haji Bathroom
47	12	4	7	6	5	9	2	1	1
100%	25%	9.5%	14%	13%	10.5%	20%	4%	2%	2%

Also, these citizens more frequently pointed to the old bazar of Sagharisazan and historical monuments like Aqa Sayed Abbas Mausoleum upon hearing the third question that "what mental event or image or what place comes to your mind upon hearing the name 'old

Sagharisazan texture'?" A small percentage of the citizens had pointed to the elements of the historical district of the texture and the old houses and even Haji Bathroom in comparison to the new constructions. But, unfortunately, this is per se indicative of the

marginalization of the vernacular architectural elements in the individuals' mental images. In answering to the questionnaire, the individuals who have been residing this old neighborhood for longer years most frequently voted for Haji Bathroom and traditional houses and they based their reasons for selecting these places on the idea that they had not had private bathrooms in their houses and had to go to public bathrooms when they were younger so they have made a lot of uses of Haji Bathroom and they even had more sense of belonging to the old houses and alleys.

This attribute is indicative of the overshadowing of the neighborhood's texture by the immethodical and new residential and business constructions and reduction of the inter-neighborhood spatial connection. Although the spatial structure of the neighborhood has been disrupted by the immethodical constructions in the individuals' minds, the citizens' paying of attention to the events and activities like purchasing from the traditional bazar and mourning groups in the precinct of Aqa Sayed Abbas and holy shrine of Imam's sister and Goldasteh Mosque as well as visiting of the other regions like Gilan's house of culture (an old house

that has been changed of its use case in Sagharisazan Texture to Gilan's House of Culture and subjected to repair and restoration) is reflective of the idea that these are the most important incidents in line with the preservation of the identity and values of this neighborhood. Therefore, this ancient ritual structure has been given a particular stance in the minds of the citizens.

In replying to the fourth question, i.e. "what do you think is the most important event that takes place every year in the old Sagharisazan Neighborhood?", the majority of the citizens pointed to the mourning ceremonies held on Tasu'a and Ashura on the precinct of Aqa Sayed Abbas and holy shrine of Imam Reza (PBUH)'s sister.

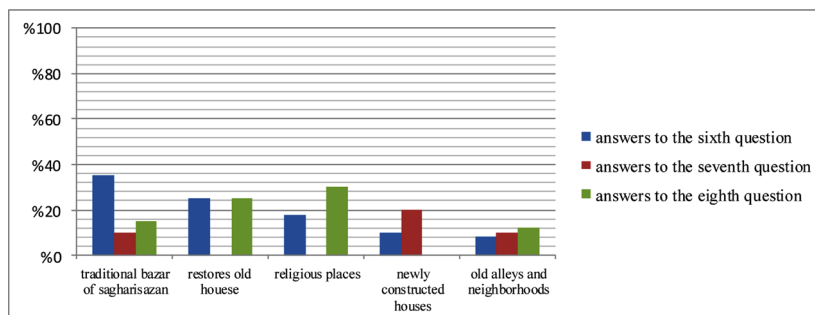
In responding to the fifth question of the questionnaire, i.e. "if you are told that you can live in any place in the old Sagharisazan Neighborhood, which one would you choose?", the majority of the citizens, as well, pointed to the regions near Badi Allah Junction (Motahhari Street) and the traditional bazar of Sagharisazan and alleys with low traffic and some of the newly constructed villas (Table 2).

**Table 2. The citizens' responses to the fifth question, i.e. "if you are told that you can live in any place in the old Sagharisazan Neighborhood, which one would you choose?"**

Number of interviewees	Traditional bazar of Sagharisazan	Iraq Bridge	Khamiran Zahedan	Some'eh Bijar Alley	Danshsara	Rudbartan	Imam's Sister Holy Shrine	Badi Allah Junction	Farrokh crossway	Newly constructed villas	Old houses	Newly constructed apartments	Does not differ	I do not know
47	6	1	3	4	3	2	1	8	3	7	3	4	1	1
100%	13%	2%	6%	9%	6%	4.5%	2%	17.5%	6%	15%	6%	9%	2%	2%

Moreover, in answering the sixth, seventh and the eighth questions of the questionnaire regarding the most beautiful, the most unpleasant contextual view and landscape of the buildings and the most memorable place in the neighborhood, the citizens pointed to the old houses restored based on the old styles and newly constructed villas in the old texture as the most beautiful

places and mentioned the old alleys along with the ruining old buildings as the most unpleasant places; they also realized the religious places as the most memorable elements of Sagharisazan Neighborhood considering the fact that religious ceremonies are held therein.



**Chart 1. The Citizens' Response Frequencies to the Sixth, the Seventh and the Eighth Questions**

As it is demonstrated in Table 3, based on the analyses of the answers to the three first questions,

the paling of the historical context and visage and elements in the citizens' mental images, domination

of the new constructions over the historical context and elements of the neighborhood in the mental images of the citizens, diminishing of the coherence in the structure of the neighborhood's texture can be identified as the most important weaknesses existent in the old Sagharisazan Neighborhood in Rasht; these cases are somehow the outcomes of reduction in the sense of place in this old neighborhood. Based on the few studies performed on the old texture of Sagharisazan Neighborhood, the adoption of solutions like conservation, restoration and foregrounding of the valuable historical buildings through lighting and environmental signs, creation of integrated identity via designing and applying specific environmental signs and so forth as well as the enhancement of the contextual quality according to the identity of the past countenance along the throughfares, alleys and old houses can be accompanied by the solidification of the neighborhood texture and enhancement of the sense of place in the old neighborhood and, simultaneously, accentuate the presence in this old and valuable neighborhood in the mental images of the citizens. The citizens' answer to the fourth question signified that the accentuated presence in the mournings and religious rituals in the religious places is suggestive

of the social solidarity and the effect of such rites and religious places on the collective memories of the citizens and increase in the sense of belonging to such environments. Here, in order to emphasize on the preservation of the urban identity and social solidarity existent in the place, the conservation of places with a valuable and well-known identity can be pointed out as a solution; amongst these buildings, the holy shrine of Imam Reza (PBUH)'s sister, Aqa Sayed Abbas and Aqa Sayed Ismail Mausoleums and Goldasteh Mosque in Sagharisazan can be pointed out. The analysis of the citizens' answers to the fifth, sixth, seventh and eighth questions is somehow reflective of the negligence of the contextual quality in the historical texture of this neighborhood, shortage of urban facilities, domination of the constructions and immethodical apartment constructions in the old neighborhood and the effect of this factor on the citizens' mental images and, finally, the paling of the historical residential and non-residential elements in the mental images of the citizens that is per se a result of the reduction in the sense of belonging to a historical place featuring a well-identified identity and reduction of the sense of place in the citizens' minds.

**Table 3. Qualitative Analysis of the Questionnaires Presented to the Citizens Regarding the Old Sagharisazan Neighborhood in Rasht and Inferring to the Weaknesses and Threats as Well as the Offering of the Suggested Solutions**

Row	Questions of the questionnaire	Type and frequency of answers by the citizens in the neighborhood	Existing weak points and threats	The effect of functions on the individuals' collective memories	Suggested solutions
1	Please draw a closed polygon around the approximate area of old Sagharisazan neighborhood in the following map and tick the approximate area of the neighborhood in the following supplementary table.	More than 60% of all of the received cognitive maps pertain to the area of the traditional Sagharisazan's bazar and the area of the religious buildings Iraq Bridge Neighborhood and Motahhari Street's entrance into Sagharisazan Neighborhood (new constructions and elements) are realized as components of the old texture's area.	Paling of the identity-endowing architectural elements according to new constructions	Reduction in sense of belonging to the old places	Enhancement of contextual quality and creation of integrated identity through designing. Restoration and revitalization of the pavements. Improvement of the exterior view of the business and residential units and making no use of constructing façades without identity.
2	Think for a while about old Sagharisazan Neighborhood, what are the places you can remember therein? Why?	Traditional bazar of Sagharisazan (25%). Old houses (9.5%). Holy shrine of Imam Reza (PBUH)'s sister (14%). Aqa Sayed Abbas Mausoleum (13%). Gilan's house of culture (10.5%). Old neighborhoods and alleys (20%). Goldasteh Mosque (4%). Old coffee house (2%). Haji Bathroom (2%).	Domination of the new constructions in the old neighborhood and the historical elements of the neighborhood. Domination of the ruining buildings and old alleys of the neighborhood.	Reduction in the sense of belonging to the place in the old neighborhood	Cleaning of any writings on the walls and electricity posts. Elimination of the miscellaneous advertisement tableaux.



3	What are the events or mental images or places you remember upon hearing the name "old Sagharisazan texture?"	Traditional bazar of Sagharisazan (25%) Old houses (15%) Holy shrine of Imam Reza (PBUH)'s sister (15%) Aqa Sayed Abbas Mausoleum (15%) Gilan's house of culture (6%) Old neighborhoods and alleys (10%) Goldasteh Mosque (10%) Old coffee house (2%) Haji Bathroom (2%)	Domination of the new constructions in the old neighborhood and the historical elements of the neighborhood	Reduction in the sense of belonging to the place in the old neighborhoods	Increase in the cleanliness and brooming and sweeping of the neighborhood area. Preventing the wandering of the free animals in the neighborhood. Creation of information kiosks and police patrols.
4	What do you think is the most important event that takes place every year in the old Sagharisazan Neighborhood?	Purchases and sales in the traditional bazar (45%) Mourning and unique religious rituals in the religious places (35%) Artistic presence and gatherings in Gilan's house of culture (15%) The raid of the travellers and tourists into the neighborhood (5%)	-----	Creation of social solidarity and bond between the people and the old religious contexts	Holding of mourning ceremonies and religious theatres in the precinct of Imam's sister and Aqa Sayed Abbas and Goldasteh Mosque.
5	if you are told that you can live in any place in the old Sagharisazan Neighborhood, which one would you choose?	Traditional bazar of Sagharisazan (13%) Iraq Bridge (2%) Khamiran Zahedan (6%) Some'eh Bijar Alley (9%) Daneshsara (6%) Rudbartan (4.5%) Holy shrine of Imam's Sister (2%) Badi Allah Junction (17.5%) Farrokh Crossway (6%) Newly constructed villas (15%) Old houses (6%) Newly constructed apartments (9%) It does not differ (2%) I do not know (2%)	Reduction in the contextual quality of the constructions in the old neighborhood	Reduction in the sense of belonging to the place in old neighborhoods	Holding mourning and religious theatre ceremonies and religious exhibitions in the precincts of the holy shrine of Imam's sister and Aqa Sayed Abbas Mausoleum and Goldasteh Mosque. Reconstruction of the old residential and non-residential buildings. Restoration and repair of the old buildings and changing of their use cases as group cultural places. Application of the artworks of the native artists for the enhancement of the quality of the collective spaces.
6	Which is the most beautiful place in terms of view and urban context in the old Sagharisazan neighborhood?	Traditional bazar of Sagharisazan (35%) Old reconstructed houses (25%) Religious places (18%) Newly constructed houses (10%) Old alleys and neighborhoods (8%) Old ruining buildings (4%)	Paling of the historical elements in the citizens' mental images	Reduction in the sense of belonging to the place in old neighborhoods	Organizing of the urban countenance according to the vernacular identity-bestowing elements. Use of CCTVs in the neighborhood.
7	Which is the most unpleasant place in terms of view and urban context in the old Sagharisazan Neighborhood?	The traditional bazar of Sagharisazan (10%) Old reconstructed houses (0%) Religious places (0%) Newly constructed houses (20%) Old alleys and neighborhoods (10%) Old ruining buildings (60%)	Reduction in the contextual quality in Sagharisazan Neighborhood	Reduction in sense of belonging to the place in the old neighborhoods	Laying walls around the abandoned buildings and unusable lands and fencing. Creation of shopping and artefact centers. Holding ritual ceremonies in the old mosques.
8	Which one is the most memorable place in Sagharisazan Neighborhood?	The traditional bazar of Sagharisazan (15%) Old reconstructed houses (25%) Religious places (30%) Newly constructed houses (0%) Old alleys and neighborhoods (12%) Old ruining buildings (18%)	Reduction in the contextual quality in Sagharisazan Neighborhood	Reduction in sense of belonging to the place in the old neighborhoods	Creation of information-provisioning paths and installation of tablets of the cultural works. Exhibition and advertisement of the restored works of the old buildings on the urban walls of the neighborhood.

## 6. CONCLUSION

According to the theoretical and field analyses, it can be stated that the definitions of the sense of belonging to the place show the imaginations inside the human mind regarding the manmade environment. This concept is, on the one hand, rooted in the phenomenological structure and the mental experiences like memory, culture, history, tradition, community and so forth and it is, on the other hand, influenced by the objective and external approaches to the environment like empirical sciences and designing and so on. This is per se reflective of the idea that sense of belonging to a place and collective memory are complicated concepts of the human emotions and attachment to a constructed environment that is created as a result of the social and behavioral interactions and human beings' use of the place; therefore, collective memory is the shared memories between the individuals according to the experienced events and incidents that have occurred within the social and spatial framework in a place. As for the old Sagharisazan Neighborhood in Rasht, the studies have been most predominantly based on the cognitive and mental questionnaires administered to the citizens. Thus, it was made clear meanwhile identifying the weak points and the strengths existent

in this old texture that no intervention has been performed in the area of the urban management and engineering due to the negligence and ignorance of the responsible persons. The present field study has been somehow able to show the quality of taking advantage of the citizens' collective memories in line with the revitalization of the old and valuable textures in the old Sagharisazan Neighborhood in Rasht. Some of these solutions and preparations can benefit from the collective memories in respect to the revitalization of the valuable texture so the participation can be enticed in the citizens and their cognitive maps can be acquired in regard of the place so as to take measures parallel to the conservation of the rites and holding of ritual and memorable ceremonies like mourning theatres in the religious places and application of vernacular elements of the neighborhood in the new constructions that are also additionally demanded by the citizens based on the contemporary needs of the time. However, the specific analysis and classification of the deigning and technical solutions and suggestions by which the collective memories of the citizens can be strengthened in respect to the urban visage and cotnext, are beyond the present study's scope and need more subtle research for the accomplishment of such goals.

## END NOTE

1. SPSS Data Collection.
2. Amongst the other meetings related to this subject are ICCN's 2014 summon in Isfahan as well as ICOMOS meeting with the central topic of "identity threats: loss of the traditions and collective memories, 2015" in Japan.

## REFERENCES

- Crap, F., & Zawadski, R. (1976). Dimensions of Urban Environmental. *Quality Environmental Behavior*, 8(2), 239-264.
- Falahat, M.S. (2006). The Sense of Space and its Factors. *Journal of Fine Arts*, 26, 57-66.
- Google Maps. (2019). <https://www.google.com/maps/place/Rasht>.
- Governorate of Rasht. (2015). Gilan. <https://rasht.gilan.ir>.
- Grütter, J.K. (2014). *Ästhetik der Architektur: Grundlagen der Architektur-Wahrnehmung*. (Pakzad.J, Homayoun.A, Ed. & Trans.). Tehran: Shahid Beheshti University Press.
- Halbwachs, M. (1980-1950). *The Collective Memory*. (Francis JD JV, Vid YP, Ed. & Trans.). Reprinted by Harper Colophon Books.
- Lawson, B. (2012). *Language Space*. (Eyni Far. A, & Karimiyan. F, Trans.). Tehran, Tehran University Press.
- Lewicka, M. (2008). Place Attachment, Place Identity, and Place Memory: Restoring the Forgotten City Past. *Journal of Environmental Psychology*, 211.
- Lynch, K. (2014). *The Theory of the City*. (Bahrain. S.H, Sixth Ed. & Trans.) Tehran. Tehran University Press.
- Ministry of Roads and Urban Development of the Islamic Republic of Iran, Gilan, (2015). <http://gilan.mrud.ir>.
- Nadimi, H. (2014). Porch Review (Ten Articles on Architecture), Tehran, Islamic Republic of Iran's Academy of Arts.
- Partoy, P. (2013). *Phenomenology Place*, Tehran, Shadrng Press.
- Québec Declaration on the Preservation of the Spirit of Placet. (2008). Adopted at Québec, Canada.
- Rico, P. (1995). Forgotten Historical Memory. *Journal of Talks*, Tehran, 8, 49.
- Rossi, A. (1982). *The Architecture of the City*. Cambridge, the MIT Press, Massachusetts.
- Sarmast, B., & Motevaseli, M.M. (2010). Measure and Analyze the Role of Place Scale on the Place Attachment (Case Study: Tehran). *Journal of Urban Management*, 26, 133-146.
- Schultz, S., & Schultz, D. (2014). *Theories of Personality*. (Seyed Mohammadi.Y, Ed. & Trans.). Publication Editing, Tehran.
- Shamai, S. (1991). *Sense of Place: An Empirical Measurement*, 22, 347-358.
- Sun-Young, R. (2003). Boundary and Sense of Place in Traditional Korean Dwelling. *Sungkyun Journal of East Asian Studies*, 3(2).
- Wilson, R. (2005). Collective Memory, Group Minds and the Extended Mind Thesis.

